

دادگاه عدالت اروپا

شعبه دوم دادگاه عمومی

حکم دادگاه

۴ دسامبر ۲۰۱۵

سیاست خارجی و امنیت عمومی - محدودیت‌های اعمال شده علیه برخی اشخاص و سازمان‌ها با توجه به وضعیت ایران - توقیف دارایی‌ها - محدودیت ورود و عبور به صورت ترانزیت در محدوده اتحادیه اروپا - توجیه حقوقی - مسئولیت ارائه دلایل - حق متهم یا مدعی علیه بر ارائه دلایل خود - نقص و ایرادهای اعلامی - اصل منع رسیدگی مضاعف - آزادی بیان - آزادی مطبوعات - آزادی مشاغل - آزادی عبور و مرور - حق مالکیت

در پرونده T-273/13

خواهان:

محمد سرافراز، ساکن تهران (ایران)، ابتدا با وکالت ت. والتر، و سپس ج. م. وینیالس کامیونیا، ل. باریولا اوروتیکوچیا و ج. ل. ابریارته آنخل

علیه

خوانده:

شورای اتحادیه اروپا، با وکالت ج. پ. هیکس و ال-سن میگل هورتادو، به عنوان نماینده شورا

حمایت شده توسط طرف ثالث: **سازمان غیر دولتی عدالت برای ایران**، ابتدا با وکالت ج. پولس، و سپس ر. مارکس

خواستہ:

درخواست ابطال بخشهایی از تصمیمات و آیین‌نامه‌های شورای اتحادیه اروپا به شرح ذیل در حدودی که متوجه خواهان می‌شوند:

- نخست، تصمیم شماره ۱۲۴ شورا (مورخ ۱۱ مارس ۲۰۱۳)¹ اصلاح کننده تصمیم قبلی شورا در سال ۲۰۱۱ درباره اعمال محدودیت علیه برخی اشخاص و سازمان‌ها با توجه به وضعیت ایران³؛
- دوم، آیین‌نامه اجرایی شماره ۲۰۶ شورا (مورخ ۱۱ مارس ۲۰۱۳)⁴ بر اساس آیین‌نامه شماره ۵۳۵۹ درباره محدودیت‌های اعمال شده علیه برخی اشخاص و سازمان‌ها با توجه به وضعیت ایران⁶؛
- سوم، تصمیم شماره ۲۰۵ شورا (مورخ ۱۰ آوریل ۲۰۱۴)⁷ اصلاح کننده تصمیم قبلی شورا در سال ۲۰۱۱ درباره اعمال محدودیت علیه برخی اشخاص و سازمان‌ها با توجه به وضعیت ایران⁹؛

¹ 2013/124/PESC

² 2011/235/PESC

³ JO L 68, p. 57

⁴ 206/2013

⁵ ماده ۱۲ بند ۱ آیین‌نامه 359/2011

⁶ JO L 68, p. 9

⁷ 2014/205/PESC

⁸ 2011/235/PESC

- چهارم، بند ۱ آیین‌نامه اجرایی شماره ۳۷۱ شورا (مورخ ۱۰ آوریل ۲۰۱۴)¹⁰ بر اساس آیین‌نامه شماره ۱۱۳۵۹ درباره اعمال محدودیت علیه برخی اشخاص و سازمان‌ها با توجه به وضعیت ایران.¹²
- پنجم، تصمیم شماره ۵۵۵ شورا مورخ ۷ آوریل ۲۰۱۵¹³ اصلاح‌کننده تصمیم شماره ۱۴۲۳۵ درباره اعمال محدودیت علیه برخی اشخاص و سازمان‌ها با توجه به وضعیت ایران¹⁵؛
- و ششم، آیین‌نامه اجرایی شماره ۱۶۵۴۸ مورخ ۷ آوریل ۲۰۱۵، اصلاح‌کننده آیین‌نامه شماره ۱۷۳۵۹ درباره اعمال محدودیت علیه برخی اشخاص و سازمان‌ها با توجه به وضعیت ایران.¹⁸

شعبه دوم دادگاه عمومی

منتشکل از

قضات: خانم م، ا، مارتینز ریبرو، رییس دادگاه، و آقایان س. جرواسونی و ل. مادیس
منشی دادگاه: خانم ک. آندوا

با توجه به محتویات پرونده و متعاقب جلسه رسیدگی در تاریخ ۵ مه ۲۰۱۵ به این شرح اقدام به صدور رای می نماید:

حکم دادگاه

مستندات حقوقی

۱. در تاریخ ۱۲ آوریل ۲۰۱۱، شورای اتحادیه اروپا، بر اساس اصل ۲۹ پیمان اتحادیه اروپا، تصمیم شماره ۱۹۲۳۵ را درباره اعمال محدودیت علیه برخی اشخاص و سازمان‌ها با توجه به وضعیت ایران²⁰ اتخاذ کرد.

۲. در بند چهار تصمیم مزبور چنین آمده است:

«اعمال محدودیت باید شامل اشخاص و سازمان‌هایی شود که مسئول صدور دستور و یا اجرای اعمال ناقض حقوق بشر بوده اند، و همینطور کسانی که در توسل به خشونت علیه شرکت کنندگان در تظاهرات صلح آمیز، خبرنگاران، مدافعان حقوق بشر، دانشجویان و یا اشخاص دیگری که برای دفاع از حقوق قانونی خود از جمله حق آزادی بیان فعالیت کرده‌اند، مشارکت داشته اند؛ و همچنین اشخاص مسئول صدور دستور و یا اجرای اعمال ناقض حق دادرسی عادلانه، اقدام به شکنجه و یا رفتار ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز، و یا اجرای بی رویه و رو به افزایش حکم اعدام، از جمله اعدام‌های در ملاء عام، سنگسار، حلق آویزی و اعدام

⁹ JO L 109, p. 25

¹⁰ 371/2014

¹¹ ماده ۱۲ بند ۱ آیین‌نامه 359/2011

¹² JO L 109, p. 9

¹³ تصمیم شماره 2015/555 اصلاح کننده تصمیم 2011/235/PESC
JO L 109, p. 25

¹⁴ 235/2011

¹⁵ OJ L 92, p. 91

¹⁶ آیین‌نامه 2015/548 اجراکننده ماده ۱۲ بند ۱ آیین‌نامه 359/2011
JO L 109, p. 9

¹⁷ 359/2011

¹⁸ OJ L 92, p. 1

¹⁹ 2011/235/PESC

²⁰ JO L 100 p. 51

نوجوانان بزهکار، و نیز اشخاصی که در نقض تعهدات بین‌المللی ایران در زمینه حقوق بشر معاونت داشته اند.»

۳. مطابق بند ۱ ماده یک تصمیم شماره ۲۳۵ شورا،²¹ دولت‌های عضو [اتحادیه اروپا] موظفند با انجام اقدامات لازم مانع ورود یا عبور ترانزیت اشخاص مسئول نقض فاحش حقوق بشر در ایران و اشخاص مرتبط با آنها (به شرح لیست پیوست به تصمیم مربوطه) به خاک خود شوند.

۴. مطابق بند ۱ ماده دو تصمیم شماره ۲۳۵ شورا²²:
« کلیه موجودی‌ها و دارایی‌های مالی متعلق به اشخاص مسئول نقض فاحش حقوق بشر در ایران و اشخاص و نهادهای مرتبط با آنها (به شرح لیست پیوست) به علاوه کلیه موجودی‌ها و دارایی‌های مالی تحت تملک، تصاحب و اختیار ایشان مورد توقیف قرار می‌گیرند.»

۵. مطابق ماده سه تصمیم شماره ۲۳۵ شورا²³:
« ۱ - شورا [ی اتحادیه اروپا]، بر اساس پیشنهاد هر یک از دولت‌های عضو و یا نماینده اتحادیه در امور روابط خارجه و سیاست‌های امنیتی، لیست پیوست را تنظیم و اصلاح می‌نماید.
۲ - شورا تصمیم اتخاذ شده شامل دلایل افزوده شدن نام فرد یا سازمان در لیست مورد نظر را به شخص یا نهاد مزبور مستقیماً، در صورتی که آدرس ایشان شناخته شده باشد، و یا از طریق انتشار آگهی، ابلاغ می‌کند و به ایشان امکان ارائه توضیحات خود در این باره را می‌دهد.
۳ - در صورتی که ملاحظات و یا شواهد و مدارک قابل توجه جدیدی ارائه شوند، شورا تصمیم خود را مجدداً بررسی و شخص یا نهاد مورد نظر را از نتیجه آن مطلع می‌کند.»

۶. مطابق بند ۲ ماده شش تصمیم شماره ۲۳۵ شورا²⁴:
« این تصمیم تا تاریخ ۱۳ آوریل ۲۰۱۲ اجرا خواهد شد و بر اجرای آن به صورت مستمر نظارت می‌شود. در صورتیکه از نظر شورا اهداف مورد نظر در اجرای آن حاصل نشده باشند، این تصمیم حسب مورد مورد تمدید یا اصلاح قرار خواهد گرفت.»

۷. در تاریخ ۱۲ آوریل ۲۰۱۱، شورا آیین‌نامه شماره ۲۵۳۵۹ «درباره محدودیت‌های اعمال شده علیه برخی اشخاص و سازمان‌ها با توجه به وضعیت ایران»²⁶ را بر اساس معاهده کارکرد اتحادیه اروپا²⁷ به تصویب رسانید.

۸. بند دو مقدمه آیین‌نامه شماره ۲۵۳۵۹ تصریح می‌کند که:
«اعمال محدودیت باید شامل اشخاص و سازمان‌هایی شود که مسئول صدور دستور و یا اجرای اعمال ناقض حقوق بشر بوده اند، و همینطور کسانی که در توسل به خشونت علیه شرکت کنندگان در تظاهرات صلح آمیز، خبرنگاران، مدافعان حقوق بشر، دانشجویان و با اشخاص دیگری که برای دفاع از حقوق قانونی خود از جمله حق آزادی بیان فعالیت کرده‌اند، مشارکت داشته اند؛ و همچنین اشخاص مسئول صدور دستور و یا اجرای اعمال ناقض حق دادرسی عادلانه، اقدام به شکنجه و یا رفتار ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز، و یا اجرای بی‌رویه و رو به افزایش حکم اعدام، از جمله اعدام‌های در ملأ عام، سنگسار، حلق آویزی و اعدام

²¹ 2011/235

²² 2011/235

²³ 2011/235

²⁴ 2011/235

²⁵ 359/2011

²⁶ JO L 100, p. 1

²⁷ بند ۲ ماده ۲۱۵

²⁸ 359/2011

نوجوانان بزهکار، و نیز اشخاصی که در نقض تعهدات بین‌المللی ایران در زمینه حقوق بشر معاونت داشته اند.»

۹. بر اساس ماده دو آیین‌نامه شماره ۳۵۹ کلیه موجودی‌ها و دارایی‌های مالی متعلق به اشخاص حقیقی و حقوقی، نهادها و ارگان‌های نامبرده در پیوست ۱ این آیین‌نامه، و نیز کلیه موجودی‌ها و دارایی‌های مالی تحت تملک، تصاحب و اختیار ایشان مورد توقیف قرار می‌گیرد.

۱۰. مطابق ماده دو آیین‌نامه شماره ۳۵۹ «پیوست ۱ شامل لیست اسامی اشخاصی است که، بر اساس ماده دو تصمیم [شماره ۲۳۵] توسط شورا به عنوان مسئول نقض فاحش حقوق بشر در ایران و اشخاص، نهادها و ارگان‌های مرتبط با آنها شناخته شده‌اند.»

۱۱. بر اساس ماده ۱۲ آیین‌نامه شماره ۳۵۹:

- ۱ - زمانی که شورا تصمیم می‌گیرد تمهیدات تصریح شده در بند ۱ ماده دو را در مورد شخصی حقیقی یا حقوقی یا نهاد و یا ارگانی اعمال کند، باید پیوست ۱ را متعاقباً اصلاح نماید.
- ۲ - شورا تصمیم اتخاذ شده شامل دلایل افزوده شدن نام فرد یا سازمان در لیست مورد نظر را به شخص یا نهاد مزبور مستقیماً، در صورتی که آدرس ایشان شناخته شده باشد، و یا از طریق انتشار آگهی، ابلاغ می‌کند و به ایشان امکان ارائه توضیحات خود در این باره را می‌دهد.
- ۳ - در صورتی که ملاحظات و یا شواهد و مدارک قابل توجه جدیدی ارائه شوند، شورا تصمیم خود را مجدداً بررسی و شخص حقیقی یا حقوقی یا نهاد و یا ارگان مورد نظر را از نتیجه آن مطلع می‌کند.
- ۴ - لیست پیوست ۱ در فواصل زمانی منظم و لااقل یک بار در هر دوازده ماه بررسی می‌شود.

سابقه دعوی

۱۲. خواهان، آقای محمد سرافراز، در نوامبر ۲۰۱۴ توسط رهبر جمهوری اسلامی ایران به عنوان مدیر سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران (IRIB)، ارگان رادیو و تلویزیون ملی جمهوری اسلامی ایران، منصوب شد. پیش از آن ایشان به عنوان مدیر سرویس بین‌المللی صدا و سیما و نیز پرس‌تی‌وی بین‌المللی²⁹ (در ادامه «پرس‌تی‌وی») که در سال ۲۰۰۷ تأسیس شده و در تهران-ایران مستقر است، به فعالیت مشغول بوده است. برنامه‌های این شبکه خبری به زبان انگلیسی تهیه و پخش می‌شوند و در سراسر جهان از طریق ماهواره و تلویزیون کابلی قابل دسترسی اند. شرکت Press TV International Ltd (در ادامه «Press TV Ltd»)، مستقر در انگلستان و دارای مجوز پخش از این دولت عضو اتحادیه اروپا بوده است.

۱۳. در پی ثبت شکایتی توسط آقای مازیار بهاری، خبرنگار ایرانی-کانادایی، علیه شبکه پرس‌تی‌وی در اداره ارتباطات افکام (OFCOM)، سازمان قانونگذاری و نظارت بر رقابت آزاد در حوزه ارتباطات در انگلستان، این سازمان در دو نامه مورخه ۱۷ مه ۲۰۱۱ و ۱ دسامبر ۲۰۱۱ اعلام کرد که شبکه پرس‌تی‌وی مرتکب تخلفاتی مطابق بندهای ۷.۱ و ۸.۱ قانون رادیو-تلویزیون انگلستان شده است و این شرکت را محکوم به پرداخت جریمه نقدی به مبلغ ۱۰۰,۰۰۰ پوند انگلستان کرد (در ادامه «تصمیم افکام»). تصمیم‌های افکام بر مبنای ملاحظات مربوط به هر پرونده اتخاذ می‌شوند. در این مورد، شکایت آقای بهاری در مقابل افکام مربوط به پخش بخشی از یک مصاحبه تلویزیونی از ایشان بوده است که در تاریخ ۱ ژوئیه ۲۰۰۹ توسط شبکه پرس‌تی‌وی پخش شده بود. در این مصاحبه آقای بهاری به ارتباط با مطبوعات خارجی غربی جهت اطلاع‌رسانی درباره تظاهرات خشونت‌آمیز علیه یک پایگاه نظامی در ایران اعتراف کرده بود. طبق ملاحظات افکام، اولاً، مصاحبه آقای بهاری در زمانی ضبط شده بود که ایشان در زندان و تحت بازداشت و محدودیت در ایران بوده اند. ثانیاً، از نظر این سازمان آقای بهاری نه با ضبط مصاحبه مورد نظر و نه با پخش آن موافق نبوده، و از سوی دیگر، در زمان پخش توسط پرس‌تی‌وی، مصاحبه مورد

²⁹ Press TV International

نظر حاوی هیچ پیامی جهت اطلاع مخاطبین از شرایط خاص ضبط این مصاحبه نبوده است. نظر به این ملاحظات، آفکام نتیجه گرفت که ضبط و پخش بخشی از مصاحبه مورد نظر توسط پرس‌تی‌وی بدون رضایت آقای بهاری، اقدامی ناعادلانه و مداخله ناموجه در زندگی خصوصی ایشان بوده و بر این اساس ناقض بندهای ۷.۱ و ۸.۱ قانون رادیو-تلویزیون انگلستان بوده است.

۱۴. در تاریخ ۲۰ ژانویه ۲۰۱۲، آفکام مجوز پخش پرس‌تی‌وی در انگلستان را بلافاصله لغو کرد (در ادامه «تصمیم آفکام برای لغو مجوز») بر این اساس که، در حالی که مطابق قوانین انگلستان دارنده مجوز پخش یک شبکه تلویزیونی مسئول است بر محتوی برنامه‌های آن شبکه نظارت و کنترل داشته باشد، در این مورد نظارت و کنترل لازم نه از طریق Press TV Ltd، بلکه از طریق پرس‌تی‌وی مستقر در تهران اعمال می‌شده است. به فاصله کمی، در تاریخ ۴ آوریل ۲۰۱۲، سازمان رسانه‌های آلمان³⁰ هم پخش برنامه‌های پرس‌تی‌وی از طریق ماهواره توسط شرکت آپ.اس³¹ را ممنوع اعلام کرد، بر این اساس که در پی لغو مجوز پخش توسط آفکام، پرس‌تی‌وی مجوز لازم برای ادامه فعالیت‌های خود در اروپا نداشته است. در تاریخ ۱۱ اکتبر ۲۰۱۲، شرکت آرکیوا³² قرارداد خود را با صدا و سیمای ایران خاتمه داد و بلافاصله پخش برنامه‌های پرس‌تی‌وی را از طریق ماهواره هات برد ۸ به تعلیق درآورد، بر این اساس که رییس سازمان صدا و سیما در آن زمان، آقای عزت‌الله ضرغامی، جزو اشخاص مشمول محدودیت‌های مذکور در آیین‌نامه ۲۶۴ شورا³³ (مورخ ۲۳ مارس ۲۰۱۲) بوده است.

۱۵. در تاریخ ۱۱ مارس ۲۰۱۳، شورا تصمیم شماره ۳۴۱۲۴ را اتخاذ کرد. مطابق این تصمیم، شورا مدت اجرای تصمیم قبلی³⁵ خود را تا ۱۱ آوریل ۲۰۱۴ تمدید کرد و اسامی برخی اشخاص و نهادها را به لیست پیوست تصمیم مذکور افزود. در همین راستا، نام خواهان، بر اساس دلایل ذیل، به لیست مورد نظر افزوده شد:

«مدیر سرویس بین‌المللی صدا و سیما و پرس‌تی‌وی. مسئول کلیه تصمیمات مربوط به برنامه سازی. دارای ارتباط نزدیک با دستگاه امنیتی دولتی. تحت ریاست وی، پرس‌تی‌وی، و همچنین سازمان صدا و سیما، به همکاری با نیروهای امنیتی ایران و دادستان‌های ایران جهت پخش اعترافات اجباری اشخاص تحت بازداشت پرداخته اند، از جمله اعترافات خبرنگار و کارگردان ایرانی-کانادایی، مازیار بهاری، در برنامه هفتگی «ایران امروز»³⁶. در سال ۲۰۱۱، آفکام، سازمان مستقل و نظارت در حوزه ارتباطات، پرس‌تی‌وی را برای پخش اعترافات بهاری که در زمان دستگیری وی و با توسل به زور و اجبار ضبط شده بودند، به پرداخت جریمه نقدی به مبلغ ۱۰۰،۰۰۰ پوند انگلستان محکوم کرده است. بر این اساس سرفراز مرتکب معاونت در نقض حق دادرسی عادلانه و منصفانه شده است.»

۱۶. در تاریخ ۱۱ مارس ۲۰۱۳، شورا آیین‌نامه اجرایی شماره ۳۷۲۰۶³⁷ را تصویب کرد که مطابق آن اسامی اشخاص و نهادهای متعددی را به لیست پیوست ۱ آیین‌نامه شماره ۳۵۹ افزود. در همین راستا، نام خواهان، بر اساس دلایل مذکور در بند ۱۵ این حکم به لیست مورد نظر افزوده شد.

³⁰ Bayerische Landeszentrale für Neue Media.

³¹ APS - ASTRA Platform Services

³² Arqiva Ltd

³³ آیین‌نامه 264/2012، اصلاح کننده آیین‌نامه شماره ۳۵۹ (JO L 87, p. 26).

³⁴ 2013/124/PESC (اصلاح کننده تصمیم 2011/235/PESC).

³⁵ 2011/235

³⁶ Iran Today

³⁷ آیین‌نامه 206/2013 شورا، در اجرای بند ۱ ماده ۱۲ آیین‌نامه 359/2011، (JO L 68, p. 9)

۱۷. شورا با ارسال نامه مورخ ۱۲ مارس ۲۰۱۳، و ارسال یک نسخه از این نامه به خواهان پرونده،³⁸ خواهان را از اتخاذ تصمیم شماره ۳۹۱۲۴³⁹ و نیز تصویب آیین‌نامه اجرایی شماره ۴۰۲۰۶⁴⁰ مطلع کرده، و از سوی دیگر، وی را از حق تقاضای تجدید نظر از شورا در رابطه با تصمیم ثبت نام وی در لیست‌های پیوست به اسناد مذکور، و نیز حق اعتراض به این تصمیم در مقابل دادگاه [عمومی] آگاه کرد.

۱۸. شورا در تاریخ ۱۲ مارس ۲۰۱۳،⁴¹ از طریق انتشار آگهی در روزنامه رسمی اتحادیه اروپا، اشخاص مشمول اعمال محدودیت مذکور در تصمیم شماره ۲۳۵ و آیین‌نامه شماره ۳۵۹ را از این موارد مطلع کرد.⁴²

۱۹. خواهان، طی نامه مورخ ۱۶ آوریل ۲۰۱۳، به تمهیدات اتخاذ شده علیه وی توسط شورا اعتراض کرد. شورا دریافت این نامه را در تاریخ ۲۴ آوریل ۲۰۱۳ تصدیق کرد. خواهان طی نامه مورخ ۱۸ ژوئیه ۲۰۱۳، تقاضای دسترسی به پرونده ارائه کرد.

۲۰. شورا، به موجب نامه مورخ ۱۶ دسامبر ۲۰۱۳، به توضیحات ارائه شده توسط خواهان در نامه ۱۶ آوریل ۲۰۱۳ و نیز به تقاضای وی جهت دسترسی به پرونده در نامه ۱۸ ژوئیه ۲۰۱۳ پاسخ داد. در مجموع، از نظر شورا، با توجه به کلیه مدارک موجود در پرونده، محدودیت‌های اعمال شده علیه خواهان موجه و قابل تأیید بودند.

۲۱. در تاریخ ۱۰ آوریل ۲۰۱۴، شورا تصمیم شماره ۴۳۲۰۵ را اتخاذ کرد. مطابق این تصمیم شورا اجرای تصمیم قبلی خود مصوب سال ۴۴۲۰۱۱ را تا تاریخ ۱۳ آوریل ۲۰۱۵ تمدید کرده و نیز مشخصات مربوط به برخی اشخاص نامبرده در لیست پیوست تصمیم مذکور را به روز کرد.

۲۲. در تاریخ ۱۰ آوریل ۲۰۱۴، شورا آیین‌نامه اجرایی شماره ۴۵۳۷۱ را به تصویب رساند. بر اساس این آیین‌نامه اجرایی، شورا مشخصات مربوط به برخی اشخاص نامبرده در پیوست ۱ آیین‌نامه ۴۶۲۳۵ را به روز و اصلاح کرد.⁴⁷

۲۳. در تاریخ ۷ آوریل ۲۰۱۵، شورا تصمیم شماره ۴۸۵۵۵ را اتخاذ کرد. مطابق این تصمیم شورا اجرای تصمیم شماره ۴۹۲۳۵ را تا تاریخ ۱۳ آوریل ۲۰۱۶ تمدید کرده و نیز مشخصات مربوط به برخی اشخاص نامبرده در لیست

³⁸ مطابق بند ۲ ماده ۳ تصمیم شماره ۲۳۵ (2011/235) و بند ۲ ماده ۱۲ آیین‌نامه شماره ۳۵۹ (359/2011).

³⁹ 2013/124

⁴⁰ 206/2013

⁴¹ مطابق ماده ۳، بند ۲ تصمیم 2011/235 و ماده ۱۲، بند ۲ آیین‌نامه 359/2011.

⁴² طبق تصمیم 2011/235، اصلاح شده در تصمیم 2013/124، و آیین‌نامه 359/2011، به اجرا گذاشته شده در آیین‌نامه اجرایی 206/2013.

(JO C 72, p. 2)

⁴³ تصمیم 2014/205/PESC، اصلاح کننده تصمیم 2011/235/PESC. (JO L 109, p. 25)

⁴⁴ 2011/235

⁴⁵ آیین‌نامه 371/2014 اجراکننده ماده ۱۲ بند ۱ آیین‌نامه 359/2011. (JO L 109, p. 9)

⁴⁶ 2011/235

⁴⁷ مطابق تصمیم 2014/205

⁴⁸ تصمیم 2015/555 اصلاح کننده تصمیم 2011/235/PESC. (JO L 109, p. 25)

⁴⁹ 2011/235

پیوست تصمیم مذکور را به روز کرد. در همین راستا، دلایل درج نام خواهان در لیست پیوست ۱ تصمیم شماره 50۲۳۵ به شرح ذیل اصلاح شد:

« مدیر سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران. مدیر سابق سرویس بین‌المللی سازمان صدا و سیما و پرستی‌وی، مسئول کلیه تصمیمات مربوط به برنامه سازی. دارای ارتباط نزدیک با دستگاه امنیتی دولتی. تحت ریاست وی، پرستی‌وی، همانند سازمان صدا و سیما، به همکاری با نیروهای امنیتی ایران و دادستان های ایران جهت پخش اعترافات اجباری اشخاص تحت بازداشت پرداخته اند، از جمله اعترافات خبرنگار و کارگردان ایرانی-کانادایی، مازیار بهاری، در برنامه هفتگی «ایران امروز». در سال ۲۰۱۱، آفکام، سازمان مستقل و نظارت در حوزه ارتباطات، پرستی‌وی را برای پخش اعترافات بهاری که در زمان دستگیری وی و با توسل به زور و اجبار ضبط شده بودند، به پرداخت جریمه نقدی به مبلغ ۱۰۰،۰۰۰ پوند انگلستان محکوم کرده است. بر این اساس سرافراز مرتکب معاونت در نقض حق دادرسی عادلانه و منصفانه شده است.»

۲۴. در تاریخ ۷ آوریل ۲۰۱۵، شورا آیین‌نامه اجرایی شماره 51۵۴۸ را به تصویب رساند. بر اساس این آیین‌نامه اجرایی، شورا مشخصات مربوط به برخی اشخاص مشمول اعمال محدودیت 52 را مطابق تصمیم شماره 53۲۰۵ به روزرسانی و اصلاح کرد. در این راستا، دلایل درج نام خواهان در لیست پیوست به این آیین‌نامه نیز مطابق دلایل فوق الذکر اصلاح گردیدند.

جریان دادرسی و اظهارات اصحاب دعوی

۲۵. خواهان بوسیله دادخواست ارائه شده به دفتر دادگاه در تاریخ ۱۷ مه ۲۰۱۳ متقاضی اقامه این دعوی شد.

۲۶. سازمان غیردولتی «عدالت برای ایران» با ارائه تقاضانامه مورخ ۷ مه ۲۰۱۴ به دفتر دادگاه خواستار مداخله به عنوان طرف ثالث در این دعوی جهت پشتیبانی از ادعای شورای اتحادیه اروپا شد.

۲۷. شورا طی نامه مورخ ۱۶ ژوئن ۲۰۱۴ به دادگاه اعلام داشت که اعتراضی به تقاضای مداخله سازمان عدالت برای ایران در این دعوی ندارد.

۲۸. خواهان، طی نامه مورخ ۷ ژوئیه ۲۰۱۴ از طرفی خواستار تغییر زبان این دعوی از آلمانی به اسپانیایی شد، و از طرف دیگر خواستار تغییر دادخواست خود جهت اضافه کردن تصمیم شماره 54۲۰۵ و آیین‌نامه اجرایی 55۳۷۱ به درخواست اولیه خود شد. (در ادامه « اولین تقاضای تغییر دادخواست »).

۲۹. خواهان طی نامه مورخ ۷ ژوئیه ۲۰۱۴ خواستار رد تقاضای مداخله سازمان عدالت برای ایران در این دعوی شد.

۳۰. دادگاه طی رأی مورخ ۲۳ سپتامبر ۲۰۱۴ تقاضای تغییر زبان دعوی ارائه شده توسط خواهان را رد کرد.

⁵⁰ 2011/235

⁵¹ آیین‌نامه 2015/548 اجراکننده ماده ۱۲ بند ۱ آیین‌نامه 359/2011
JO L 109, p. 9

⁵² نامبرده در پیوست ۱ آیین‌نامه 2011/235

⁵³ 2014/205

⁵⁴ 2014/205

⁵⁵ 371/2014

۳۱. شورا، طی نامه مورخ ۱۷ اکتبر ۲۰۱۴، اظهارات خود را درباره اولین تقاضای تغییر دادخواست خواهان به دادگاه ارائه کرد.

۳۲. خواهان، طی نامه مورخ ۱۹ نوامبر ۲۰۱۴، توضیحات خود درباره اظهارات شورا بر اولین تقاضای تغییر دادخواست اش را به دادگاه ارائه کرد.

۳۳. خواهان، طی نامه مورخ ۵ دسامبر ۲۰۱۴، تقاضایی جهت معافیت از قوانین زبانی دادگاه بر اساس آیین‌نامه دادرسی دادگاه⁵⁶ به دادگاه ارائه کرد. بر این مبنا خواهان تقاضا کرد که وکلای وی در جلسه دادگاه به زبان اسپانیایی صحبت کنند. طی نامه مورخ ۳۱ دسامبر ۲۰۱۴ شورا اظهارات خود را درباره این تقاضا به دادگاه ارائه کرد.

۳۴. دادگاه طی رأی مورخ ۲۸ ژانویه ۲۰۱۵ این تقاضای خواهان را پذیرفت.

۳۵. ریاست شعبه دوم دادگاه، طی حکم مورخ ۲۵ مارس ۲۰۱۵، بر اساس آیین‌نامه دادرسی دادگاه⁵⁷، با تقاضای سازمان عدالت برای ایران جهت مداخله در این دعوی به پشتیبانی از شورای اتحادیه اروپا موافقت کرد.

۳۶. خواهان، طی نامه مورخ ۲۰ آوریل ۲۰۱۵ خواستار تغییر دادخواست خود جهت اضافه کردن تصمیم شماره 58555 و آیین‌نامه اجرایی شماره 59548 به درخواست اولیه خود شد (در ادامه «دومین تقاضای تغییر دادخواست»).

۳۷. شورا، طی نامه مورخ ۳۰ آوریل ۲۰۱۵ ملاحظات خود درباره دومین تقاضای تغییر دادخواست خواهان را به دادگاه ارائه کرد.

۳۸. در پایان دادخواست و لوایح ارائه شده طی مرحله کتبی دعوی، تقاضای خواهان از دادگاه به این ترتیب بود:

- ابطال تصمیم شماره 60124 تا حدودی که این تصمیم متوجه خواهان می‌شود؛
- ابطال تصمیم شماره 61205 تا حدودی که این تصمیم متوجه خواهان می‌شود؛
- ابطال تصمیم شماره 62555 تا حدودی که این تصمیم متوجه خواهان می‌شود، و در نتیجه حذف نام وی از لیست پیوست تصمیم مذکور؛
- ابطال آیین‌نامه اجرایی شماره 63206 تا حدودی که این آیین‌نامه اجرایی متوجه خواهان می‌شود؛
- ابطال آیین‌نامه اجرایی شماره 64371 تا حدودی که این آیین‌نامه اجرایی متوجه خواهان می‌شود؛
- ابطال آیین‌نامه اجرایی شماره 65548 تا حدودی که این آیین‌نامه اجرایی متوجه خواهان می‌شود، و در نتیجه حذف نام وی از لیست پیوست آیین‌نامه اجرایی مذکور؛
- محکوم کردن شورا به پرداخت کلیه هزینه‌های دادگاه.

۳۹. در پایان، بر اساس لوایح ارائه شده طی مرحله کتبی دعوی، تقاضای شورا از دادگاه، با پشتیبانی طرف ثالث، به این ترتیب بود:

⁵⁶ ماده ۳۵، بند ۲، پ آیین‌نامه دادرسی دادگاه مصوب ۲ مه ۱۹۹۱.

⁵⁷ ماده ۱۱۶، بند ۶ آیین‌نامه دادرسی دادگاه مصوب ۲ مه ۱۹۹۱.

⁵⁸ 2015/555

⁵⁹ 2015/548

⁶⁰ 2013/124

⁶¹ 2014/205

⁶² 2015/555

⁶³ 206/2013

⁶⁴ 371/2014

⁶⁵ 548/2015

- اعلام غیرقابل پذیرش بودن و رد دادخواست خواهان (جهت ابطال تصمیمات شماره ۲۰۵ و ۵۵۵، و نیز آیین‌نامه‌های اجرایی شماره ۵۴۸ و ۳۷۱)؛
- در سایر موارد و در هر صورت، اعلام رد تقاضای خواهان به دلیل بی اساس بودن ادله؛
- محکوم کردن خواهان به پرداخت کلیه هزینه‌های دادگاه.

۴۰. طی جلسه دادگاه، طرف ثالث [سازمان عدالت برای ایران] به طور کامل از تقاضای شورا پشتیبانی کرده و خواستار رد تقاضای خواهان توسط دادگاه شد.

۴۱. به علاوه، طی جلسه دادگاه، اظهارات شفاهی طرفین دعوی و نیز پاسخ هایشان به سئوالات کتبی دادگاه شنیده شد. در این جلسه، خواهان به دادگاه اعلام کرد که از اولین تقاضای تغییر دادخواست خویش صرف نظر می نماید، که متعاقباً در صورت جلسه دادگاه درج شد. از سوی دیگر، به دعوت دادگاه، تصمیم آفکام مبتنی بر لغو مجوز پخش [پرس‌تی‌وی] با موافقت طرفین به پرونده افزوده و متعاقباً در صورت جلسه دادگاه درج شد.

مبانی حقوقی

(۱) قابلیت پذیرش دعوی

در باب قابلیت پذیرش دعوی توسط خواهان جهت ابطال تصمیم شماره ۱۲۴ و قابلیت پذیرش ادعای غیرقانونی بودن این تصمیم توسط خواهان

۴۲. خواهان در لایحه دوم خود، و نیز همانطور که به طور کلی از مندرجات لایحه اول برمیآید، خواستار ابطال آیین‌نامه اجرایی شماره ۶۶۲۰۶⁶⁶ و همچنین تصمیم شماره ۶۷۱۲۴⁶⁷ شد. به علاوه، خواهان در لایحه دوم ادعای غیرقانونی بودن تصمیم شماره ۱۲۴ بر اساس مواد ۲۷۷ و ۲۶۳ معاهده کارکرد اتحادیه اروپا را مطرح کرد.

۴۳. شورا در لایحه دوم خود به قابلیت پذیرش دادخواست تکمیلی خواهان برای ابطال آیین‌نامه اجرایی شماره ۲۰۶ و تصمیم شماره ۱۲۴، بر اساس آیین‌نامه دادرسی دادگاه⁶⁸ اعتراض کرد. به عبارت دیگر، اعتراض شورا بر مبنای غیرقابل پذیرش بودن ادعای غیرقانونی بودن تصمیم شماره ۱۲۴ توسط خواهان است، به این دلیل که این خواسته عنصر موضوعی جدیدی را، طبق تعریف ماده ۸۴ آیین‌نامه دادرسی دادگاه، به موضوع دعوی اضافه میکند.

۴۴. در جواب سئوالی که در جلسه از سوی دادگاه مطرح شد، خواهان به دلایل غیرقابل پذیرش بودن مطرح شده از سوی شورا، از طرفی در رابطه با تکمیل موضوع تقاضای ابطال و از طرف دیگر در رابطه با تقاضای ابطال تصمیم شماره ۱۲۴ اعتراض کرد.

۴۵. در رابطه با قابلیت پذیرش تقاضای ابطال تصمیم شماره ۱۲۴، همانطور که در لایحه دوم خواهان آمده است، مطابق آیین‌نامه دادرسی دادگاه⁶⁹ دادخواست باید حاوی خواسته‌های خواهان باشد.

۴۶. بر اساس رویه قضایی تثبیت شده دادگاه، طبق ماده ۲۱، بند ۱ قانون دادگاه عدالت اتحادیه اروپا که در این دادگاه نیز لازم الاجراست،⁷⁰ دادخواست باید شامل موضوع دعوی، خواسته‌های خواهان و ذکر مختصر مبانی

⁶⁶ 206/2013

⁶⁷ 2013/124

⁶⁸ ماده ۴۴، بند ۱ (ت) آیین‌نامه دادرسی دادگاه مصوب ۲ مه ۱۹۹۱

⁶⁹ ماده ۴۴، بند ۱ (د) آیین‌نامه دادرسی دادگاه مصوب ۲ مه ۱۹۹۱

⁷⁰ طبق ماده ۲۳، بند ۱ همان قانون و ماده ۴۴، بند ۱ (ت) آیین‌نامه دادرسی دادگاه مصوب ۲ مه ۱۹۹۱.

حقوقی دعوی باشد. این عناصر باید تا حدی دقیق و واضح باشند که به طرف مدافع اجازه تهیه دفاعیه و به دادگاه اجازه صدور حکم را، بدون نیاز به اطلاعات دیگر، بدهند. در راستای تامین امنیت قضایی و اجرای بهینه عدالت، لازم است که هر درخواست برای قابل پذیرش بودن حاوی عناصر اصلی از لحاظ موضوعی و حکمی، لااقل به اختصار اما به صورت منسجم و قابل درک، باشد.⁷¹

۴۷. در پرونده حاضر، لازم به ذکر است که پاراگراف دوم دادخواست، که شامل شرح تفصیلی خواسته های خواهان است، تنها خواستار ابطال آیین‌نامه اجرایی شماره ۲۰۶ شده است.

۴۸. با این وجود، همان طور که خواهان اظهار داشت، از کلیات دادخواست این طور برمی‌آید که خواهان به دفعات به صراحت و یا به طور ضمنی نه فقط آیین‌نامه اجرایی شماره ۲۰۶ بلکه تصمیم شماره ۱۲۴ را هم مورد اعتراض قرار میدهد. در نتیجه، در پاراگراف های ۳۰ و ۳۱ دادخواست تحت عنوان «تصمیمات و آیین‌نامه های اجرایی موضوع دعوی»، خواهان مستقیماً این اسناد را مورد اعتراض قرار میدهد. به علاوه، در پاراگراف ۶۰ دادخواست، خواهان به «ماده ۲۱۵، بند ۲ معاهده کارکرد اتحادیه اروپا در کنار اسناد موضوع دعوی» اشاره میکند. در آخر، در پاراگراف ۱۵۹ دادخواست، خواهان اعلام میکند که تقاضای ابطال شامل «محدودیت‌های موضوع دعوی» میشود. واضح است که آیین‌نامه اجرایی شماره ۲۰۶ و تصمیم شماره ۱۲۴ دلایل کاملاً مشابهی برای درج نام خواهان در لیست‌های پیوست اسناد مذکور مطرح کرده‌اند. در نتیجه، عبارت «محدودیت موضوع دعوی» در دادخواست خواهان به تصمیم شورا برای درج نام خواهان در لیست‌های پیوست به آیین‌نامه اجرایی شماره ۲۰۶ و تصمیم ۲۱۴ اشاره داشته است.

۴۹. بر اساس آنچه در بالا آمد، از نظر دادگاه، متن دادخواست به صورت منسجم و قابل درک و با نظر به کلیه عناصر اصلی از لحاظ موضوعی و حکمی، تقاضای ابطال آیین‌نامه اجرایی شماره ۲۰۶ و تصمیم شماره ۱۲۴ را مطرح میکند.⁷²

۵۰. در نتیجه، بدون لزوم رسیدگی به ادعای غیرقانونی بودن تصمیم شماره ۱۲۴ که در لایحه خواهان مطرح شده است، دادگاه ادعای شورا مبنی بر عدم قابلیت پذیرش این خواسته به دلیل تغییر موضوع و حدود دادخواست در لایحه خواهان جهت اضافه کردن تصمیم شماره ۱۲۴ را رد می‌کند.

در باب قابلیت پذیرش دومین تقاضای تغییر دادخواست

۵۱. شورا در اظهارات خود درباره دومین تقاضای تغییر دادخواست خواهان مبتنی بر تقاضای ابطال تصمیم شماره ۵۵۵ و آیین‌نامه اجرایی شماره ۵۸۴ اظهار داشت که این تقاضا به چند دلیل جزنا غیرقابل پذیرش است. اولاً، دومین تقاضای تغییر دادخواست در رابطه با تصمیم شماره ۵۵۵ غیرقابل پذیرش است. چرا که این تصمیم جایگزین تصمیمی که به درستی در این دعوی مورد اعتراض باشد، یعنی تصمیم شماره ۱۲۴ نیست. ثانیاً، دومین تقاضای تغییر دادخواست یک تقاضای ابطال غیرقابل پذیرش است چرا که خواهان تنها تقاضای «حذف نام خود از لیست‌های پیوست به اسناد موضوع دعوی» را دارد و نه ابطال این اسناد را.

۵۲. طی جلسه دادگاه، خواهان به دعوت دادگاه اظهارات خود را در جواب به اظهارات شورا درباره دومین تقاضای تغییر دادخواست بیان کرد و طی آن به هر دو ادعای عدم قابلیت پذیرش شورا اعتراض کرد.

⁷¹ ر.ک. حکم ۲۷ آوریل ۱۹۹۳، De Hoe/Commission, T-85/92, Rec, EU:T:1993:39، پاراگراف ۲۰؛ حکم ۲۱ مه ۱۹۹۹، Asia Motor France e.a./Commission, T-154/98, Rec, EU:T:1999:109، پاراگراف ۴۹؛ و نیز رأی ۲۷ سپتامبر ۲۰۰۶، Roquette Frères/Commission, T-322/01, Rec, EU:T:2006:267، پاراگراف ۲۰۸ و سایر آرای مذکور در آن.

⁷² ر.ک. حکم ۱۶ مارس ۲۰۰۹، R/Commission, T-156/08 P RecFP, EU:T:2009:69، پاراگراف ۳۶.

۶۱. در این مورد، مطابق رویه قضایی تثبیت شده در دعاوی مبتنی بر ماده ۲۶۳ معاهده کارکرد اتحادیه اروپا، این دادگاه صلاحیت صدور قرار خطاب به نهادها [ی اتحادیه اروپا] را ندارد.⁷⁶

۶۲. بنابراین، دومین تقاضای تغییر دادخواست خواهان جهت حذف نام وی از لیست‌های پیوست به اسناد موضوع دعوی باید غیر قابل پذیرش اعلام شود.

(۲) دلایل ماهوی دعوی

۶۳. نظر به آنچه در بندهای ۴۹، ۵۸ و ۶۲ آمد، و نیز نظر به صرف نظر خواهان از اولین تقاضای تغییر دادخواست خویش، باید نتیجه گرفت که موضوع این دعوی ابطال تصمیمات شماره ۱۲۴ و ۵۵۵ و آیین‌نامه‌های اجرایی شماره ۲۰۶ و ۵۸۴ است، تا حدودی که این اسناد (در ادامه « اسناد موضوع دعوی ») متوجه خواهان می‌شوند.

۶۴. در این دعوی، خواهان دفاعیات خود را در شش محور ارایه کرده است. این محورها عبارتند از یک، نقض مستند و مستدل بودن تصمیمات [توسط شورا]؛ دوم، نقض حق استماع یا شنیده شدن [توسط تصمیم گیرنده]؛ سوم، نقض موازین قانونی؛ چهارم، خطای فاحش ارزیابی؛ پنجم، نقض اصل عدم محاکمه و مجازات مضاعف؛ و ششم، نقض حقوق بنیادین متهم.

۶۵. در دومین تقاضای تغییر دادخواست، خواهان اعلام کرده است که تقاضای ابطال آیین‌نامه‌های اجرایی شماره ۲۰۶ و ۵۴۸ بر همان دلایل دفاعی استوار است که در دادخواست و دومین لایحه خواهان آمده است.

۶۶. شورا به کلیه دفاعیات ایراد شده توسط خواهان در این دعوی معترض است. در مورد دومین تقاضای تغییر دادخواست، شورا بر این باور است که حتی در صورت قابل پذیرش بودن این تقاضا، درخواست‌های مربوط به ابطال مطرح شده توسط خواهان باید نادرست و مردود اعلام شود.

۱ - ادعای اول مبتنی بر نقض وظیفه مستند و مستدل بودن تصمیمات

۶۷. خواهان ادعا میکند که اولاً، دلایل مذکور در اسناد موضوع دعوی مشخص نمی‌کنند که آیا محدودیت‌های اعمال شده علیه خواهان به این علت اعمال شده‌اند که خواهان شخصاً مسئول اعمال ناقض حقوق بشر در ایران بوده است و یا معاون یا وابسته به شخص دیگری که عامل چنین اعمالی بوده است. در این باره، خواهان در لایحه دوم خود اشاره میکند که شورا از سویی وی را، به عنوان مدیر سرویس بین‌المللی پرس‌تی‌وی، به مسئولیت در پخش اعترافات اجباری اشخاص تحت بازداشت و نقض حق دادرسی عادلانه و منصفانه متهم میکند، و از سوی دیگر، به معاونت در نقض این حق. از سوی دیگر، استدلال اسناد موضوع دعوی مشخص نمی‌کند که خواهان به معاونت و یا ارتباط با چه شخصی، در میان اشخاص نامبرده در لیست‌های پیوست به اسناد موضوع دعوی، متهم شده است. ثانیاً، شورا دلایلی که بر اساس آن خواهان را دارای ارتباط نزدیک با دستگاه امنیتی دولتی شناخته است و این ادعا که تحت مدیریت خواهان، پرس‌تی‌وی به همکاری با نیروهای امنیتی ایران و دادستان‌های ایران جهت پخش اعترافات اجباری اشخاص تحت بازداشت از جمله آقای بهاری پرداخته است، را مشخص نکرده است. ثالثاً، شورا برای ادعای مربوط به پخش چندین مورد اعترافات اجباری دلیلی ارایه نکرده است. در واقع شورا تنها به یک مورد پخش اعترافات اجباری به خصوص، و در حقیقت نادرست، یعنی مورد آقای بهاری، اشاره کرده است و تنها بر پایه تصمیم آفکام.

⁷⁶ ر.ک. حکم ۱۲ دسامبر ۲۰۱۳، Nabipour e.a./Conseil, T-58/12, EU:T:2013:640، پاراگراف ۱۷ و سایر آرای مذکور در آن.

۶۸. شورا به کلیه استدلالات ایراد شده توسط خواهان در محور اول دفاعیات وی اعتراض دارد.

۶۹. بر اساس رویه قضایی تثبیت شده، هدف از وظیفه مستند و مستدل بودن تصمیمات، که در راستای رعایت حقوق مربوط به دفاع است، آن است که به شخص ذی نفع اطلاعات کافی را درباره موجه بودن آن، و یا امکان وجود نقضی که زمینه اعتراض به قانونی بودن آن را فراهم کند، بدهد.⁷⁷

۷۰. برای بیان مستندات که در ماده ۲۹۶ معاهده کارکرد اتحادیه اروپا به آن تصریح شده باید به، وضوح و صراحت، استدلال نهاد تصمیم گیرنده را ارائه دهد به صورتی که شخص ذی نفع دلایل اقدامات اتخاذ شده و نیز دادگاه صالح جهت اعتراض به آن را بشناسد.⁷⁸

۷۱. نظر به این که شخص ذی نفع حق شنیده شدن پیش از اتخاذ تصمیم مثبتی بر توقیف اموال را ندارد، رعایت وظیفه ارائه مستندات و دلایل به شخص ذی نفع در چنین مواردی مهم تر است، چرا که تنها ضامن بهرمندی وی از راهکارهای قانونی اعتراض به قانونی بودن تصمیم مورد نظر، اگر چه تنها پس از صدور آن، است.⁷⁹

۷۲. بنابراین، مستندات تصمیم توقیف اموال توسط شورا می بایست حاوی دلایل مشخص و ملموسی باشد که بر اساس آن شورا، با استفاده از اختیار تشخیص خود، چنین تصمیمی را علیه شخص ذی نفع اتخاذ کرده است.⁸⁰

۷۳. با این وجود، ارایه مستندات مورد نظر در ماده ۲۹۶ معاهده کارکرد اتحادیه اروپا باید متناسب با ماهیت سند موضوع دعوی و زمینه اتخاذ آن باشد. لزوم ارایه مستندات نیز باید با توجه به شرایط هر مورد و علی الخصوص، محتوای سند، ماهیت دلایل عنوان شده و منفعتی که ارائه دلایل و مستندات می تواند برای سایر مخاطبین و یا اشخاص مستقیماً و شخصاً ذی نفع در سند مورد نظر داشته باشد، بررسی و تشخیص داده شود. لازم نیست که دلایل و مستندات کلیه عناصر موضوعی و حکمی مربوط را در بر گیرند چرا که کفایت دلایل و مستندات نه تنها بر اساس متن آن، بلکه نظر به زمینه، شرایط، و کلیه اصول حقوقی حاکم بر آنها بررسی و تشخیص داده شود.⁸¹

۷۴. به طور خاص، یک سند موضوع دعوی زمانی که در شرایط به خصوصی که شخص ذی نفع از آن مطلع است صادر شده است، به طوری که وی توانایی درک موضوع و حدود تصمیم گرفته شده علیه خود را دارد، به اندازه کافی مستند و مستدل است.⁸²

⁷⁷ ر.ک. حکم ۱۵ نوامبر ۲۰۱۲، EU:C:2012:718، Conseil/Bamba, C-417/11 P, Rec, سایر آرای مذکور در آن.

⁷⁸ ر.ک. حکم ۱۵ نوامبر ۲۰۱۲، EU:C:2012:718، Conseil/Bamba, C-417/11 P, Rec, سایر آرای مذکور در آن.

⁷⁹ ر.ک. حکم ۱۵ نوامبر ۲۰۱۲، EU:C:2012:718، Conseil/Bamba, C-417/11 P, Rec, سایر آرای مذکور در آن.

⁸⁰ ر.ک. حکم ۱۵ نوامبر ۲۰۱۲، EU:C:2012:718، Conseil/Bamba, C-417/11 P, Rec, سایر آرای مذکور در آن.

⁸¹ ر.ک. حکم ۱۵ نوامبر ۲۰۱۲، EU:C:2012:718، Conseil/Bamba, C-417/11 P, Rec, سایر آرای مذکور در آن.

⁸² ر.ک. حکم ۱۵ نوامبر ۲۰۱۲، EU:C:2012:718، Conseil/Bamba, C-417/11 P, Rec, سایر آرای مذکور در آن.

۷۵. در انتها لازم به ذکر است که مسئله لزوم ارائه دلایل و مستندات، که یک التزام ماهوی است، از ادله اثبات دعوی، که مربوط به قانونمندی ماهوی دلایل دعوی است و باید واقعیت عناصر مذکور در آن جهت توجیه محدودیت‌های اعمال شده بررسی و اثبات شود، متمایز است.⁸³

۷۶. بر این اساس، بررسی رعایت وظیفه ارائه مستندات باید از امکان اثبات یا عدم اثبات دلایل و مستندات ارائه شده، که شامل عناصر موضوعی و حکمی تبیین شده توسط شورا است، جدا شود.⁸⁴ بنابراین، دلایلی که بر اساس آن به امکان اثبات وقایع یا اعمال مستند در سند موضوع دعوی اعتراض میشود، در زمینه ادعای عدم کفایت یا عدم وجود اسباب و دلایل سند موضوع دعوی غیر قابل استفاده اند.⁸⁵

۷۷. در درجه نخست، درباره این ادعای خواهان که دلایل مذکور در اسناد موضوع دعوی مشخص نمی‌کنند که آیامحدودیت‌های اعمال شده علیه خواهان به این علت اعمال شده‌اند که خواهان شخصا مسئول اعمال ناقض حقوق بشر در ایران بوده است و یا معاون یا وابسته به شخص دیگری که عامل چنین اعمالی بوده است، اولاً، چنانکه به وضوح از بندهای ۱ تا ۴ تصمیم شماره ۲۳۵ برمی‌آید، این تصمیم درباره وضعیت رو به وخامت حقوق بشر در ایران، و با هدف ادامه مبارزه با نقض حقوق بشر بوسیله اعمال محدودیت بر ناقضان حقوق بشر اتخاذ شده است.

۷۸. ثانیاً، باید یادآور شد که، از یک سو، مطابق تصمیم شماره ۲۳۵،⁸⁶ اشخاصی که ممکن است نامشان در لیست پیوست به آن تصمیم به ثبت برسد شامل اشخاصی هستند که یا شخصا مرتکب نقض حقوق بشر در ایران شده‌اند، و یا اشخاص یا نهادهای وابسته به ایشان. از سوی دیگر، آیین‌نامه‌های اجرایی شماره ۳۷۱، ۲۰۶، ۵۴۸،⁸⁷ ماده ۱۲ در واقع بند ۱ آیین‌نامه شماره ۸۸۳۵۹ را به اجرا گذاشته اند. به علاوه، آیین‌نامه شماره ۳۵۹ بر پایه ماده ۲۱۵ معاهده کارکرد اتحادیه اروپا به تصویب رسیده و موضوع تصمیم شماره ۲۳۵ است. در نتیجه، مطابق آیین‌نامه ۸۹۳۵۹ پیوست ۱ این آیین‌نامه اجرایی شامل لیست اشخاصی است که یا توسط شورا مسئول نقض فاحش حقوق بشر شناخته شده‌اند، و یا اشخاص وابسته به ایشان که درج نامشان در لیست مورد نظر مطابق تصمیم شماره ۹۰۲۳۵ صورت گرفته است.

۷۹. در پرونده حاضر، درباره دلایل شورا برای اعمال محدودیت‌های مذکور بر خوانده، دلایل مندرج در موضوع دعوی، آنچنان که در بندهای ۱۵ و ۲۳ آمده اند، حاوی عناصر مشخص و ملموس توجیه کننده هستند، از جمله سوابق و مسئولیت‌های شغلی خواهان که از نظر شورا نوعی دخالت شخصی از سوی وی را در نقض فاحش حقوق بشر در ایران تأیید می‌کنند.⁹¹

۸۰. نخست آنکه، چنانکه به صراحت در دادخواست خواهان نیز ذکر شده است، از سویی پرس‌تی‌وی یک شبکه تلویزیونی مستقر در ایران است که برنامه‌های خبری در سراسر جهان ارائه و پخش میکند، و از سوی دیگر، قسمتی از مصاحبه آقای بهاری که در دلایل اسناد موضوع دعوی به آن اشاره شده است از طریق پرس‌تی‌وی در یکم ژوئیه ۲۰۰۹ در بخش اخبار یک برنامه هفتگی به نام «ایران امروز» پخش شده است. بنابراین، چنانچه در دلایل مندرج

⁸³ ر.ک. حکم ۱۵ نوامبر ۲۰۱۲، ۲۰۱۲، ۷۱۸:EU:C:2012:718، Conseil/Bamba, C-417/11 P, Rec, EU:C:2012:718، پاراگراف ۶۰ و سایر آرای مذکور در آن

⁸⁴ ر.ک. حکم ۲۳ سپتامبر ۲۰۱۴، ۲۰۱۴، ۸۰۰:EU:T:2014:800، Ipatau/Conseil, T-646/11، پاراگراف ۱۰۵

⁸⁵ ر.ک. حکم ۱۶ ژوئن ۲۰۰۵، ۲۰۰۵، ۲۲۱:EU:T:2005:221، Corsica Ferries France/Commission, T-349/03, Rec, EU:T:2005:221، پاراگراف ۵۲ و ۵۹ و سایر آرای مذکور در آن

⁸⁶ ماده ۱، بند ۱ و ماده ۲، بند ۱ تصمیم 2011/235.

⁸⁷ 206/2013, 371/2014, 548/2015

⁸⁸ 359/2011

⁸⁹ ماده ۳، بند ۱ آیین‌نامه 359/2011.

⁹⁰ بر اساس ماده ۲، بند ۱ تصمیم 2011/235.

⁹¹ ر.ک. حکم ۱۵ نوامبر ۲۰۱۲، ۲۰۱۲، ۷۱۸:EU:C:2012:718، Conseil/Bamba, C-417/11 P, Rec, EU:C:2012:718، پاراگراف ۵۶

در اسناد موضوع دعوی آمده است، اعمال ناقض حقوق بشر، که شورا خواهان را در آن مسئول می داند، از نظر شورا شامل پخش اعترافات اجباری اشخاص تحت بازداشت و یا حبس، از طریق شبکه خبری پرس‌تی‌وی بوده است. در نهایت، شورا در دلایل خود به این اشاره میکند که در زمان اتفاقات مذکور، خواهان در مقام مدیر مسئول سرویس بین‌المللی پرس‌تی‌وی مشغول به کار بوده است و با توجه به مسئولیت‌هایی که این مقام در زمینه تصمیمات مربوط به برنامه سازی به وی محول می کرده، می توان وی را در تولید و پخش اعترافات اجباری از این شبکه مسئول قلمداد کرد.

۸۱. بنابراین، خواهان که سوابق شغلی خود را در سمت‌های فوق منکر نمی‌شود، منطقی نمی‌توانسته است نداند که منظور شورا از اشاره به مقام وی به عنوان مدیر مسئول سرویس بین‌المللی پرس‌تی‌وی، شبکه ای که برنامه‌های اطلاع رسانی اش در سراسر دنیا قابل دسترسی هستند، قدرت تأثیرگذاری و مسئولیت‌های شخصی خواهان بوده است که به صورت ظاهری و منطقی از چنین مقامی برمی‌آید، به طور اخص در رابطه با تهیه و پخش اعترافات اجباری اشخاص تحت بازداشت و یا حبس از طریق شبکه خبری پرس‌تی‌وی.⁹²

۸۲. نظر به آنچه در بالا گفته شد، بنا بر دلایل مندرج در اسناد موضوع دعوی، شورا، مطابق با تصمیم شماره ۲۳۵ و آیین‌نامه شماره ۹۳۳۵۹ خواهان را شخصا مسئول نقض حقوق بنیادین مذکور می دانسته است.

۸۳. این تشخیص نمی‌تواند تحت الشعاع آخرین جمله دلایل مندرج در اسناد موضوع دعوی قرار گیرد با این عنوان که « بنابراین [خواهان] مرتکب معاونت در نقض حق دادرسی عادلانه و منصفانه شده است». در واقع، این جمله باید در کلیت خود و مخصوصا با توجه به عبارت «بنابراین» خوانده شود که اشاره به دلایل فوق الذکر دارد.

۸۴. در وهله دوم، درباره دومین و سومین ادعای خواهان در رابطه با اولین محور دفاع وی، چنان که در بند ۶۷ فوق آمده است، باید اذعان داشت که بر اساس رویه قضایی مذکور در بند های ۷۵ و ۷۶ فوق الذکر، این دو ادعا در محدوده این دفاع، که مبتنی بر نقض وظیفه ارائه مستندات و دلایل است، غیر مؤثر است.

۸۵. در واقع این ادعا که دلایل مندرج در اسناد موضوع دعوی یکایک دلایلی که بر اساس آن خواهان را دارای ارتباط نزدیک با دستگاه امنیتی دولتی شناخته است و این ادعا که تحت ریاست خواهان، پرس‌تی‌وی به همکاری با نیروهای امنیتی ایران و دادستان های ایران جهت پخش اعترافات اجباری اشخاص تحت بازداشت از جمله آقای بهاری پرداخته است، را مشخص نکرده است، به ادله اثبات دلایل و مستندات ارائه شده در اسناد مزبور مربوط می‌شوند و بنابراین در محور چهارم دفاع، مبتنی بر خطای فاحش ارزیابی بررسی شوند. همین طور دفاع سوم خواهان مبنی بر این که با وجود آنکه شکایات بر علیه خواهان به پخش چندین مورد اعترافات اجباری مربوط می‌شوند، شورا تنها به یک مورد پخش اعترافات اجباری به خصوص، و در حقیقت نادرست، یعنی مورد آقای بهاری، اشاره کرده است.

۸۶. از کلیه ملاحظات فوق الذکر باید نتیجه گرفت که وظیفه ارائه مستندات و دلایل تصمیم در اسناد موضوع دعوی نقض نشده است، و از این رو، ادعاهای مبتنی بر محور اول دفاعیات خواهان باید مردود اعلام شود.

۲ - ادعای دوم مبتنی بر نقض حق استماع یا شنیده شدن [توسط تصمیم گیرنده]

۸۷. خواهان ادعا می‌کند که شورا حق استماع وی را نقض کرده است چرا که، پیش از اتخاذ تصمیم مبنی بر درج نامش در لیست اشخاص مشمول محدودیت، به وی فرصت ارائه اظهارات و تقاضای بازبینی تصمیم توسط شورا را

⁹² ر.ک. حکم ۱۵ نوامبر ۲۰۱۲، Conseil/Bamba, C-417/11 P, Rec, EU:C:2012:718، پاراگراف ۶۹ و حکم ۲۳ سپتامبر ۲۰۱۴، Ipatau/Conseil, T-646/11, EU:T:2014:800، پاراگراف ۱۰۲
⁹³ ماده ۱، بند ۱ و ماده ۲، بند ۱ تصمیم 2011/235 و ماده ۳، بند ۱ آیین‌نامه 359/2011.

نداده است. خواهان در لایحه دوم خود مدعی است که شورا به تقاضای دسترسی وی به پرونده طی نامه مورخ ۱۸ ژوئیه ۲۰۱۳ رسیدگی نکرده است.

۸۸. شورا کلیه استدلالات ایراد شده توسط خواهان در محور دوم دفاعیات وی را رد می‌کند.

۸۹. بر اساس رویه قضایی، در هنگام بازبینی محدودیت‌های اعمال شده، مراجع قضایی اتحادیه باید، مطابق صلاحیت خود بر اساس پیمان اتحادیه اروپا، بازبینی کاملی از قانونی بودن کلیه اسناد و اعمال اتحادیه، بر اساس حقوق بنیادین شناخته شده در نظام حقوقی اتحادیه اروپا، به عمل آورند. این التزام به صراحت در ماده ۲۷۵، بند ۲ معاهده کارکرد اتحادیه اروپا آمده است.⁹⁴

۹۰. یکی این حقوق بنیادین، حق دفاع و بهرمندی از حمایت قضایی موثر است.⁹⁵

۹۱. حق بهرمندی از حقوق مربوط به دفاع، چنان که در اصل ۴۱، بند ۲ منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا تضمین شده است، حق استماع و حق دسترسی به پرونده با رعایت منافع مشروع محرمانگی را شامل می‌شود.⁹⁶

۹۲. حق بهرمندی از حمایت قضایی موثر که در اصل ۴۷ منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا تضمین شده است، مستلزم آنست که شخص ذی نفع بتواند از دلایل تصمیم اتخاذ شده علیه وی، خواه از طریق خواندن مستقیم دلایل یا از طریق ارسال دلایل به درخواست وی به دادگاه دارای صلاحیت، اطلاع حاصل کند. هدف از این التزام آنست که شخص ذی نفع بتواند در مناسب ترین شرایط ممکن از حقوق خود دفاع کند و آگاهانه تصمیم بگیرد که آیا باید به دادگاه صالح جهت اعتراض به تصمیم رجوع کند، و نیز بتواند از کلیه امکانات قانونی جهت بررسی قانونمندی تصمیم مورد نظر استفاده کند.⁹⁷

۹۳. در ابتدا باید گفت که بر اساس دومین محور دفاع مطرح شده، خواهان مدعی است که شورا پیش از اتخاذ تصمیم مبنی بر اعمال محدودیت علیه وی، اظهارات وی را در این باره شنیده است. با این وجود، از میان اسناد موضوع دعوی، تنها تصمیم شماره ۱۲۴ و آیین‌نامه اجرایی شماره ۲۰۶ حاوی تصمیم اولیه اعمال برای اعمال محدودیت علیه خواهان بوده اند.

۹۴. در واقع، اولاً، باید متذکر شد که بر اساس رویه قضایی حاکم، که خواهان نیز از آن ناآگاه نیست، محدودیت‌های مورد نظر، برای احقاق هدف اولیه ی توقیف اموال، طبیعتاً می باید غافلگیرکننده باشند. به همین علت، در این پرونده، شورا الزامی به استماع دلایل خواهان، پیش از اضافه کردن نام وی به لیست‌های مورد نظر، نداشته است.⁹⁸

۹۵. ثانیاً، درباره ادعای عدم ارائه پاسخ از سوی شورا به درخواست دسترسی خواهان به پرونده طی نامه مورخ ۱۸ ژوئیه ۲۰۱۳، بر اساس رویه قضایی فوق الذکر در بند ۹۲، باید متذکر شد که خواهان نقض حق دستیابی به پرونده خود را در اسرع وقت، به گونه ای که بتواند در مناسب ترین شرایط ممکن از حقوق خود دفاع کند و آگاهانه تصمیم

⁹⁴ ر.ک. حکم ۲۸ نوامبر ۲۰۱۳، EU:C:2013:775، Conseil/Fulmen et Mahmoudian, C-280/12 P, Rec, پاراگراف ۵۸ و سایر آرای مذکور در آن

⁹⁵ ر.ک. حکم ۲۸ نوامبر ۲۰۱۳، EU:C:2013:775، Conseil/Fulmen et Mahmoudian, C-280/12 P, Rec, پاراگراف ۵۹ و سایر آرای مذکور در آن

⁹⁶ ر.ک. حکم ۲۸ نوامبر ۲۰۱۳، EU:C:2013:775، Conseil/Fulmen et Mahmoudian, C-280/12 P, Rec, پاراگراف ۶۰ و سایر آرای مذکور در آن

⁹⁷ ر.ک. حکم ۲۸ نوامبر ۲۰۱۳، EU:C:2013:775، Conseil/Fulmen et Mahmoudian, C-280/12 P, Rec, پاراگراف ۶۱ و سایر آرای مذکور در آن

⁹⁸ ر.ک. حکم ۱۵ نوامبر ۲۰۱۲، EU:C:2012:718، Conseil/Bamba, C-417/11 P, Rec, پاراگراف ۷۴ و سایر آرای مذکور در آن

بگیرد که آیا باید به دادگاه صالح جهت اعتراض به تصمیم رجوع کند، مطرح نکرده است و فقط مدعی است که شورا به درخواست ۱۸ ژوئیه ۲۰۱۳ پاسخی نداده است. به علاوه، باید اضافه کرد که درخواست دسترسی به پرونده حاضر کمی بیش از دو ماه پس از ارائه این دادخواست توسط خواهان ارائه شده است، و نیز، با توجه به محورهای دفاع مطرح شده در این دعوی، واضح است که خواهان توانسته است از دلایل اسناد موضوع دعوی اطلاع حاصل کند، از ماهیت محدودیت‌های اعمال شده علیه وی آگاه شود و در نهایت جهت دفاع از حقوق خود اقدام کند. در آخر، باید اذعان داشت که بر خلاف گفته خواهان، شورا بوسیله نامه مورخ ۱۶ دسامبر ۲۰۱۲، به درخواست دسترسی وی به پرونده اش طی نامه ۱۸ ژوئیه ۲۰۱۳ پاسخ داده است.

۹۶. از کلیه ملاحظات فوق الذکر چنین برمیآید که محور دفاعی دوم خواهان ناموجه است و باید مردود اعلام شود.

۳ - ادعای سوم مبتنی بر نقض موازین قانونی

۹۷. بر اساس سومین محور دفاعی، خواهان مدعی است که شورا مرتکب یک اشتباه حقوقی در به اجرا گذاشتن قوانین لازم الاجرا شده است، به صورتی که محدودیت‌های اعمال شده فاقد بنیان قانونی اند. برای اثبات این ادعا، خواهان چهار ادعای مجزا را مطرح کرده است. اول، مسئولیت خواهان در زمینه پخش اعترافات اجباری توسط پرستی‌وی، به علت مقام وی به عنوان مدیر سرویس بین‌المللی این شبکه، برای متهم کردن وی به نقض حق دادرسی عادلانه کافی نیست، به این علت که ایشان در عمل در هیچ محاکمه ای شرکت و یا نقش نداشته است. دوم، از آنجا که مسئولیت پرستی‌وی در تصمیم مجزایی برای توقیف اموال این نهاد ثابت نشده بوده است، شورا نمی‌توانسته است خواهان را مسئول موارد نقض حقوق بشر مذکور بداند. سوم، چنانکه به وضوح از متن بندهای ۱ تا ۴ تصمیم شماره ۲۳۵ و بند ۲ آیین‌نامه ۳۵۹ برمی‌آید، شورا در دلایل خود مشخص نکرده است که آیا درج نام خواهان به عنوان مباشر یا معاون نقض حق دادرسی عادلانه بر اساس اثبات این ادعاست که وی «دستور» و یا «اجرا»ی چنان نقضی را بر عهده داشته است. چهارم، محدودیت اعمال شده علیه خواهان نه بر اساس قوانین و آیین دادرسی کیفری، بلکه بر اساس قوانین مربوط به رسانه‌ها اعمال شده است.

۹۸. خواهان در جوابیه خود ادعا کرده است که اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و نیز اصل تناسب این دو نقض شده‌اند.

۹۹. شورا به استدلال‌ات ایراد شده توسط خواهان در محور سوم دفاع اعتراض دارد.

۱۰۰. باید یادآور شد که بر اساس اصل ۲۱، بند ۲ پیمان اتحادیه اروپا، که در فصل یکم آن تحت عنوان «مفاد کلی مربوط به روابط خارجی اتحادیه» از بخش پنجم تحت عنوان «مفاد کلی مربوط به روابط خارجی اتحادیه و مفاد جزئی مربوط به سیاست خارجی و امنیت جمعی» قرار دارد آمده است:

«اتحادیه برای حفظ درجه بالایی از همکاری میان اعضاء در حوزه روابط بین‌المللی سیاست‌های جمعی و فعالیت‌هایی را تعریف و هدایت می‌کند، به منظور: (...) تقویت و حمایت از دموکراسی، حاکمیت قانون، حقوق بشر و اصول حقوق بین‌الملل.»

۱۰۱. بر اساس اصل ۲۳ پیمان اتحادیه اروپا، که در فصل دوم تحت عنوان «مفاد جزئی مربوط به سیاست خارجی و امنیت جمعی» از بخش پنجم پیمان اتحادیه اروپا قرار دارد:

«فعالیت اتحادیه در عرصه بین‌المللی مطابق این فصل منطبق بر اصول است، اهداف مشخصی را دنبال می‌کند و مطابق مفاد کلی فصل یکم هدایت می‌شود.»

۱۰۲. مطابق اصل ۲۹ پیمان اتحادیه اروپا که در فصل دوم از بخش پنجم پیمان اتحادیه اروپا قرار دارد:

«شورا تصمیماتی را اتخاذ می‌کند که مواضع اتحادیه را درباره یک مسئله مشخص جغرافیایی و یا موضوعی تعریف می‌کنند. دولت‌های عضو همسویی سیاست‌های ملی خود با مواضع اتحادیه را تضمین می‌کنند.»

۱۰۳. به علاوه، بر اساس ماده ۲۰۵ معاهده کارکرد اتحادیه اروپا که در بخش یکم تحت عنوان «مفاد کلی مربوط به فعالیت خارجی اتحادیه» از قسمت پنجم معاهده کارکرد اتحادیه اروپا تحت عنوان «فعالیت خارجی اتحادیه» قرار دارد:

«فعالیت اتحادیه در عرصه بین‌المللی مطابق این قسمت منطبق بر اصول است، اهداف مشخصی را دنبال می‌کند و مطابق مفاد کلی فصل یکم از بخش پنجم پیمان [اتحادیه اروپا] هدایت می‌شود.»

۱۰۴. مطابق بند ۲ ماده ۲۱۵ معاهده کارکرد اتحادیه اروپا:

«هرگاه تصمیمی که مطابق فصل دوم از بخش پنجم پیمان [اتحادیه اروپا] اتخاذ شده است چنین مقرر بدارد، شورا می‌تواند محدودیت‌هایی را علیه اشخاص حقیقی و حقوقی، گروه‌ها و یا سازمان‌های غیردولتی مردم نهاد، مطابق رویه مقرر در بند ۱ تعریف کند.»

۱۰۵. در این پرونده، اولاً، لازم به ذکر است که تصمیم شماره ۹۹۲۳۵ بر اساس اصل ۲۹ پیمان اتحادیه اروپا اتخاذ شده است. اجرای تصمیم شماره ۲۳۵ تا ۱۶ آوریل ۲۰۱۶ تمدید و نام خواهان در لیست افراد مشمول محدودیت¹⁰⁰ درج و به صورت مرتب تمدید شد.¹⁰¹

۱۰۶. ثانیاً، آیین‌نامه‌های اجرایی شماره ۲۰۶، ۳۷۱ و ۱۰۲۵۴۸ آیین‌نامه شماره ۱۰۳۳۵۹ را به اجرا می‌گذارند که خود بر اساس بند ۲ ماده ۲۱۵ معاهده کارکرد اتحادیه اروپا و تصمیم شماره ۲۳۵ تصویب شده بود.

۱۰۷. سوماً، چنانکه در بند ۷۸ فوق ذکر شد، مطابق تصمیم شماره ۱۰۴۲۳۵¹⁰⁴ و آیین‌نامه شماره ۱۰۵۳۵۹ اشخاصی که ممکن است نامشان در لیست پیوست آن تصمیم درج شود شامل اشخاصی هستند که یا شخصاً مرتکب نقض حقوق بشر در ایران شده‌اند، و یا اشخاص یا نهادهای وابسته به ایشان.

۱۰۸. با توجه به یادآوری‌ها و ملاحظات فوق، باید اذعان داشت که اگر خواهان مسئول نقض فاحش حقوق بشر در ایران باشد، شورا بر اساس اصول و مفاد معاهدات مربوط به سیاست خارجی و امنیت جمعی، و به خصوص بر اساس ماده ۲۱۵ معاهده کارکرد اتحادیه اروپا، از مبنای حقوقی لازم برای اعمال محدودیت علیه خواهان برخوردار بوده است.

۱۰۹. در درجه اول، این ادعا که خواهان شخصاً در هیچ محاکمه‌ای شرکت و یا نقش نداشته است فاقد ارزش است و باید رد شود. در واقع، نقض حقوق بشر مورد نظر وابسته به برگزاری یا عدم برگزاری محاکمه نبوده و به علت پخش اعترافات اجباری توسط پرس‌تی‌وی بوده است. همانطور که در بندهای ۸۰ تا ۸۳ فوق آمد، خواهان در مقام مدیر مسئول سرویس بین‌المللی پرس‌تی‌وی و بنابر مسئولیت‌هایی که در پخش این شبکه داشته است، مسئول نقض حقوق بشر در این پرونده شناخته شده است.

⁹⁹ 2011/235

¹⁰⁰ لیست پیوست به تصمیم 2011/235

¹⁰¹ بر اساس تصمیمات 2013/124, 2014/205, 2015/555

¹⁰² 206/2013, 371/2014 and 548/2015

¹⁰³ بند ۱ ماده ۱۲ آیین‌نامه 359/2011

¹⁰⁴ ماده ۱، بند ۱ و ماده ۲، بند ۱ تصمیم 2011/235

¹⁰⁵ ماده ۳، بند ۱ آیین‌نامه 359/2011

۱۱۰. در درجه دوم، بر خلاف ادعای خواهان، این که پرس‌تی‌وی در تصمیم مجزایی جهت توقیف اموال این نهاد توسط شورا مسئول نقض حقوق بشر شناخته نشده است به تنهایی نافی مسئولیت خواهان نیست. همانطور که در بندهای ۸۰ تا ۸۳ فوق توضیح داده شد، خواهان بنابراین مسئولیت‌هایی که به عنوان مدیر مسئول سرویس بین‌المللی پرس‌تی‌وی داشته است، شخصا مسئول پخش اعترافات اجباری توسط پرس‌تی‌وی شناخته شده است. از این رو، شورا موظف نبوده است که اشخاص یا نهادهایی که خواهان نسبت به آنها مرتبط یا وابسته بوده است را به لیست‌های پیوست به اسناد موضوع دعوی اضافه و مشخص کند.

۱۱۱. در درجه سوم، بر خلاف ادعای خواهان، واضح است که شورا تصمیم خود برای درج نام خواهان در لیست افراد مشمول محرومیت را با دلایل کافی برای اثبات این که وی مسئول نقض حق دادرسی عادلانه بوده است، توجیه کرده است، چرا که از نظر شورا خواهان در به اجرا گذاشتن این موارد نقض نقش داشته است. در واقع، مطابق تصمیم شماره ۲۳۵¹⁰⁶ و آیین‌نامه شماره ۱۰۷۳۵۹¹⁰⁷، شورا موظف بوده است که مسئولیت خواهان در نقض حقوق بشر مورد نظر را ثابت کند.

۱۱۲. در این پرونده، اسناد موضوع دعوی، تا آنجا که به خواهان مربوط می‌شوند، بر پایه این یافته تصویب شده‌اند که، همانطور که از تصمیم آفکام برمی‌آید، بخشی از مصاحبه آقای بهاری اولاً بدون آنکه مخاطبین توسط پیامی از شرایط خاص ضبط این مصاحبه مطلع شده باشند، و ثانیاً بدون آنکه رضایت آقای بهاری برای ضبط مصاحبه مورد نظر و یا پخش آن اخذ شده باشد، پخش شده است.

۱۱۳. بنابراین، چنانکه از تصمیم آفکام برمی‌آید، باید نتیجه گرفت که پخش اعترافات اجباری توسط شبکه ای مانند پرس‌تی‌وی، بدون انجام اقدامات لازم جهت مطلع ساختن عموم از شرایط خاص ضبط این اعترافات و بدون دریافت رضایت اشخاص مصاحبه شونده پیش از پخش آن، می‌تواند همکاری در برنامه مقامات حکومتی ایران جهت گناهکار نشان دادن اشخاص بازداشت شده و یا زندانی - از سویی پیش از شنیده شدن دفاعیات متهم توسط قاضی یا محکمه صالح، و از سوی دیگر، پیش از اتخاذ یک تصمیم قضائی درباره اعمال منتسب به شخص متهم - باشد. این امکان مخصوصاً در شرایطی تحقق می‌یابد که اعترافات گرفته شده در نهایت به عنوان ادله اثبات جرم علیه متهمین در برابر دادگاه صالح مورد استفاده قرار گرفته تا آرای دادگاه در رابطه با وجود یک جرم کیفری و مجازات مربوطه را توجیه کنند.¹⁰⁸ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که تصمیم برنامه ریزی، و در نتیجه پخش اعترافات اجباری در یک شبکه خبری مانند پرس‌تی‌وی، از آنجا که اعترافات مورد نظر را برای عموم (در سطح ملی و بین‌المللی) پخش می‌کند، می‌تواند ناقض حق دادرسی عادلانه¹⁰⁹ باشد. نقض چنین حق بنیادینی، به این صورت که پخش اعترافات اجباری یک شخص در رابطه با اتهامش حق رسیدگی و شنیده شدن دفاعیات وی توسط یک قاضی مستقل و بی طرف را نقض می‌کنند، باید به معنای نقض فاحش قوانین لازم الاجرا در این پرونده شناخته شود.

۱۱۴. در نتیجه، با توجه به مقام مدیر مسئول سرویس بین‌المللی پرس‌تی‌وی و نیز مسئولیت‌هایی که بر همین اساس در زمینه برنامه ریزی این شبکه به وی محول شده است، شورا حق داشته است که خواهان را به دلیل پخش اعترافات اجباری توسط پرس‌تی‌وی و نیز در نقض فاحش حق دادرسی عادلانه مسئول بشناسد، و در نتیجه تصمیمات مربوط به اعمال محدودیت‌های مورد نظر را علیه وی اتخاذ کند.

۱۱۵. در درجه چهارم، این ادعای خواهان که محدودیت اعمال شده علیه وی نه بر مبنای قوانین و اصول آیین دادرسی کیفری، بلکه بر اساس قوانین مربوط به رسانه‌ها اعمال شده است به وضوح فاقد هرگونه پایه و اساس است و رد می‌شود.

¹⁰⁶ ماده ۱، بند ۱ و ماده ۲، بند ۱ تصمیم 2011/235

¹⁰⁷ ماده ۳، بند ۱ آیین‌نامه 359/2011

¹⁰⁸ جهت مقایسه ر.ک. دادگاه حقوق بشر اروپا Blokhin c. Russie, n° 47152/0 پاراگراف های ۱۶۶ تا ۱۶۹، ۱۴ نوامبر ۲۰۱۳

¹⁰⁹ در محدوده تعریف شده در تصمیم 2011/235 و آیین‌نامه 359/2011

۱۱۶. باید یادآور شد که محدودیت‌های اعمال شده در رابطه با توقیف اموال که علیه یک شخص یا نهاد بر اساس سیاست‌های امنیتی و دفاع جمعی¹¹⁰ اتخاذ می‌شوند. اقدامات پیشگیرانه استثنایی هستند که در راستای مبارزه با تهدیدات علیه صلح و امنیت بین‌المللی اعمال می‌شوند، و مطلقاً از شرایط و ضوابط قانونی تصویب شده در تصمیم‌های مبتنی بر اصل ۲۹ پیمان اتحادیه اروپا و نیز آیین‌نامه‌های مبتنی بر ماده ۲۱۵ معاهده کارکرد اتحادیه اروپا پیروی می‌کنند و اجرای این تصمیم‌ها در حیطه معاهده کارکرد اتحادیه اروپا قرار دارد. بر این اساس، بر خلاف آنچه خواهان ادعا می‌کند، محدودیت‌های اعمال شده به هیچ عنوان به هیچ وجه به قانون مربوط به رسانه‌ها مربوط نمی‌شود.

۱۱۷. در درجه پنجم، خواهان ادعا می‌کند که اسناد موضوع دعوی اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و نیز اصل تناسب جرم و مجازات را نقض می‌کنند. درباره ادعای نقض اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، خواهان به عدم وجود معیارهای تعریف‌کننده شخص معاون یا وابسته به اشخاص یا نهادهای مسئول نقض حقوق بشر در قانون‌های مربوطه اشاره می‌کند. درباره اصل تناسب جرم و مجازات، خواهان مدعی است که اعمال تحریم‌های یکسان علیه اشخاص مسئول نقض حقوق بشر و اشخاص معاون یا وابسته به ایشان مخالف اصل مورد نظر است.

۱۱۸. اولاً، باید یادآور شد مطابق آیین‌نامه دادرسی دادگاه¹¹¹، دادخواست باید شامل موضوع دعوی، خواسته‌های خواهان و ذکر مختصر مبنای حقوقی دعوی باشد که، بر اساس رویه قضایی که در بند ۴۶ ذکر شد، باید تا حدی دقیق و واضح باشند که به طرف مخالف اجازه تهیه دفاعیه و به دادگاه اجازه صدور حکم را بدهد. همچنین بر اساس یک رویه قضایی تثبیت شده، مستندات دادخواست در صورت عدم شرح و بسط کافی در دادخواست غیر قابل پذیرش اند. مشابه این الزام درباره لوایح دفاعی نیز وجود دارد. چنانچه علت عدم قابلیت استماع جنبه نظم عمومی داشته باشد، دادگاه می‌تواند به تصمیم خود آن را غیر قابل پذیرش اعلام کند.¹¹²

۱۱۹. در این پرونده، باید یادآور شد که هر دو ادعای غیرقانونی بودن بر مبنای نقض اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و اصل تناسب جرم و مجازات برای اولین بار در لایحه دوم خواهان بیان شده‌اند؛ از این رو به عنوان دفاع یا ادعا یا استدلال بیان شده در دادخواست محسوب نمی‌شوند. از این جهت، این ادعاها باید مردود اعلام شود.

۱۲۰. ثانیاً، در هر حال، باید اذعان داشت که هر دو این ادعاها بر این فرض غلط استوارند که شورا در اسناد موضوع دعوی، خواهان را معاون یا وابسته در نقض حق دادرسی عادلانه دانسته است.

۱۲۱. در واقع، چنانکه در بند ۸۲ فوق آمد، از دلایل اسناد مورد نظر چنین برمی‌آید که شورا خواهان را شخصاً مسئول نقض حقوق بنیادین مورد نظر¹¹³ می‌داند. بنابراین ادعای نقض اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و اصل تناسب جرم و مجازات، در هر صورت، غیر مؤثر بوده و باید رد شود.

۱۲۲. از کلیه ملاحظات فوق‌الذکر نتیجه گرفته می‌شود که محور سوم دفاع خواهان ناوراد است و باید مردود اعلام شود.

۴ - ادعای چهارم مبتنی بر خطای فاحش ارزیابی [توسط شورا]

110 PESC

111 ماده ۴۴، بند ۱ (پ) آیین‌نامه دادرسی دادگاه مورخ ۲ مه ۱۹۹۱.

112 ر.ک. حکم ۱۴ دسامبر ۲۰۰۵، Honeywell/Commission, T-209/01, Rec, EU:T:2005:455، پاراگراف‌های ۵۴ و ۵۵ و سایر آرای مذکور در آن.

113 به معنای ماده ۱، بند ۱ و ماده ۲، بند ۱ تصمیم 2011/235 و ماده ۳، بند ۱ آیین‌نامه 359/2011.

۱۲۳. خواهان به طور کلی ادعا می‌کند که دلایل شورا در اسناد موضوع دعوی برای توجیه درج نام وی در لیست‌های پیوست به این اسناد به اندازه کافی بر پایه های مستحکمی استوار نیستند.

۱۲۴. شورا به کلیه استدلالات ایراد شده توسط خواهان در محور چهارم دفاعیات وی اعتراض دارد.

۱۲۵. همانطور که از بندهای ۸۹ و ۹۰ فوق برمی‌آید، نظارت بر قانونی بودن کلیه اسناد و اعمال اتحادیه توسط مراجع قضایی اتحادیه باید بر اساس حقوق بنیادین شناخته شده در نظام حقوقی اتحادیه، از جمله حق بهرمنندی از امکان اعتراض به احکام انجام شود.

۱۲۶. میزان اثربخشی بازنگری قضایی تضمین شده توسط ماده ۴۷ منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا مستلزم آن است که قاضی اتحادیه اطمینان حاصل کند که تصمیمی که شامل یک بعد فردی برای شخص یا نهاد مورد نظر است مستدل و استوار بر یک پایه واقعی و مستحکم باشد. این امر خود مستلزم مرور و تصدیق دلایل مندرج در تصمیم مورد نظر است، به صورتی که بازبینی قضایی محدود به ارزیابی احتمال انتزاعی دلایل ابراز شده نباشد، بلکه باید احراز کند که دلایل مزبور یا حداقل یکی از آنها برای اثبات حکم کفایت می‌کند.¹¹⁴

۱۲۷. از این جهت، قاضی اتحادیه باید برای انجام این ارزیابی، در صورت لزوم، از مقام تصمیم گیرنده اتحادیه، اطلاعات و ادله مربوطه مورد نیاز برای این ارزیابی، چه محرمانه و چه غیرمحرمانه، را مطالبه کند.¹¹⁵

۱۲۸. در این راستا بار اثبات بر عهده مقام تصمیم گیرنده اتحادیه است که، در صورت اعتراض به تصمیم مورد نظر، معتبر بودن دلایل برشمرده علیه شخص موضوع تصمیم را ثابت کند. بنابراین خود آن شخص هیچ مسئولیتی برای ارائه ادله لازم برای بی اعتباری دلایل مذکور به دادگاه ندارد. بر همین مبنا مهم است که اطلاعات و ادله ارائه شده تصمیم مورد نظر را توجیه کنند. در صورتی که اطلاعات و ادله ناکافی اجازه اعتراض ماهوی به دلایل ارائه شده را ندهند، قاضی اتحادیه آنها را به عنوان دلایل توجیه درج نام و یا تمدید آن [در لیست افراد مشمول محرومیت] رد می‌کند.¹¹⁶

۱۲۹. بررسی قانونی بودن اسناد موضوع دعوی باید مطابق رویه قضایی فوق الذکر انجام شود، بدین معنا که باید تصمیم گرفته شود که آیا، بر اساس استدلالات برشمرده توسط خواهان در محور دفاعی چهارم، شورا در حد مکفی تصمیم درج نام خواهان در لیست‌های پیوست به آن اسناد را استدلال و توجیه کرده است یا خیر.

۱۳۰. در این پرونده، از دلایل مندرج در اسناد موضوع دعوی چنین برمی‌آید که شورا تصمیم اعمال محدودیت بر خواهان را به این دلیل گرفته است که وی در رابطه با پخش اعترافات اجباری افراد تحت بازداشت توسط پرس‌تی‌وی، در مقام مدیر مسئول سرویس بین‌المللی این شبکه، حق دادرسی عادلانه را نقض کرده‌اند.

۱۳۱. استدلالات برشمرده شده توسط خواهان در محور دفاعی چهارم به دو دسته ذیل قابل تقسیم و بررسی اند.

۱۳۲. در درجه اول، خواهان ادعا می‌کند که نه دلایل تصمیم آفکام و نه گزارش سازمان غیردولتی عدالت برای ایران، مورخه آوریل ۲۰۱۲، تحت عنوان «کات! پرس‌تی‌وی باید متوقف شود» ثابت نمی‌کنند که پخش اعترافات

¹¹⁴ ر.ک. حکم ۲۸ نوامبر ۲۰۱۳، EU:C:2013:775، Conseil/Fulmen et Mahmoudian, C-280/12 P, Rec.

¹¹⁵ ر.ک. حکم ۲۸ نوامبر ۲۰۱۳، EU:C:2013:775، Conseil/Fulmen et Mahmoudian, C-280/12 P, Rec.

¹¹⁶ ر.ک. حکم ۱۸ ژوئیه ۲۰۱۳، Commission e.a./Kadi, C-584/10 P, C-593/10 P, C-595/10 P, Rec, EU:C:2013:518، پاراگراف های ۱۲۱ تا ۱۲۳.

اجباری افراد تحت بازداشت توسط پرس‌تی‌وی، و علی‌الخصوص اعترافات آقای بهاری، معادل نقض فاحش حق بهرمندی از دادرسی عادلانه باشد.

۱۳۳. در ابتدا باید مشخص کرد که در رابطه با پخش بخشی از مصاحبه آقای بهاری توسط Press TV Ltd، که صریحا در دلایل اسناد موضوع دعوی آمده است، با آنکه شورا در دلایل مورد نظر ذکر کرده که اعترافات اجباری آقای بهاری توسط پرس‌تی‌وی در سال ۲۰۱۱ پخش شده‌اند، با توجه به عدم اعتراض از سوی طرفین و چنان که از کل پرونده برمی‌آید، این اعترافات اجباری برای نخستین بار در یکم ژوئیه ۲۰۰۹ و مشخصا توسط شرکت Press TV Ltd پخش شدند.

۱۳۴. اولاً، باید متذکر شد که، چنان که در بند ۱۳ فوق ذکر شد، تصمیم افکام به این علت اتخاذ شد که شبکه پرس‌تی‌وی بخشی از مصاحبه آقای بهاری را پخش کرد بدون آنکه مخاطبین را از مکان ضبط این مصاحبه یعنی زندان و تحت فشار مطلع کند، و نیز بدون آن که رضایت آقای بهاری را برای ضبط و پخش این مصاحبه دریافت کرده باشد. به علاوه، این مساله از سوی خواهان رد نشده که، در مصاحبه پخش شده در یکم ژوئیه ۲۰۰۹ توسط Press TV Ltd آقای بهاری به «فرستادن گزارشی در رابطه با حملات خشونت آمیز علیه یک پایگاه نظامی بسیج به شبکه ۴ خبر ۱۱۷ و نیز مجله نیوزویک» اعتراف کرده بوده است. بنابراین، مصاحبه پخش شده توسط شرکت پرس‌تی‌وی از سویی حاوی اعتراف آقای بهاری مبنی بر انتقال اطلاعات در رابطه با تظاهرات بر علیه یک پایگاه نظامی بسیج در ایران بوده است و از سوی دیگر، همانطور که خواهان در جواب به سؤال مطرح شده از طرف دادگاه طی جلسه دادگاه تصدیق کرد، این عمل آقای بهاری به منافع جمهوری اسلامی ایران لطمه می‌زده است.

۱۳۵. ثانیاً، باید متذکر شد که، چنان که از تصمیم افکام برمی‌آید، این تصمیم بر این نتیجه بدست آمده طی روند تصمیم‌گیری توسط افکام استوار است که نظارت سردبیری Press TV Ltd به عهده پرس‌تی‌وی بوده است. بر این اساس، باید نتیجه گرفت که تصمیمات مربوط به تهیه و پخش برنامه‌های اطلاع‌رسانی توسط Press TV Ltd توسط پرس‌تی‌وی اتخاذ می‌شده است.

۱۳۶. سوماً، نظر به بند ۱.۳ گزارش سازمان غیردولتی عدالت برای ایران، مورخ آوریل ۲۰۱۲، تحت عنوان «کات! پرس‌تی‌وی باید متوقف شود»، بخش «درباره پرس‌تی‌وی»، شبکه خبری مورد نظر در ژوئیه ۲۰۰۷ توسط جمهوری اسلامی ایران تاسیس شد. از سوی دیگر، چنان که به صراحت در متن مقدماتی این گزارش توضیح داده شده است، پرس‌تی‌وی همواره به عنوان دستگاه تبلیغاتی جمهوری اسلامی ایران عمل کرده است. به علاوه، روابط نزدیک و همکاری بین پرس‌تی‌وی و «نهادهای اطلاعاتی و امنیتی ایران» باعث شده است که پرس‌تی‌وی در برنامه‌های خود حتی اشخاص ساکن خارج از مرزهای ایران را هدف قرار دهد و حیثیت حرفه‌ای و حریم خصوصی ایشان را مورد تجاوز قرار دهد. بر همین اساس می‌توان نتیجه گرفت که پرس‌تی‌وی با مقامات دولتی جمهوری اسلامی ایران، و به خصوص با نهادهای اطلاعاتی و امنیتی ایران، روابط و همکاری نزدیک داشته است.

۱۳۷. با توجه به ملاحظات فوق‌الذکر در بندهای ۱۳۴ تا ۱۳۶، باید نتیجه گرفت که، هیچ اشتباهی در ارزیابی توسط شورا صورت نگرفته و پخش مصاحبه ای با آقای بهاری که در دوران بازداشت و فشار مضاعف بر وی ضبط شده بوده است بدون آنکه از پیش رضایت آقای بهاری را برای ضبط و یا پخش این مصاحبه دریافت کرده باشد، و در حالیکه آقای بهاری در این مصاحبه به لطمه زدن به منافع جمهوری اسلامی ایران اعتراف می‌کند، معادل این است که پرس‌تی‌وی اعترافات اجباری و تحت فشار از سوی آقای بهاری را پخش کرده و بدین ترتیب، مطابق اصول حقوقی مذکور در بند ۱۱۱ فوق، مرتکب نقض فاحش حق دسترسی به دادرسی عادلانه شده است.

۱۳۸. اظهارات خواهان در رابطه با اولین قسمت از استدلالات وی نمی‌تواند در این نتیجه‌گیری تغییری ایجاد کند.

۱۳۹. در رابطه با قسمت اول از محور چهارم دفاعیات خواهان، نخست، باید گفت که با وجود آن که خواهان به درستی تصمیم افکام اعتراض دارد، نتوانسته است ثابت کند که به قانونی بودن آن تصمیم و نیز تصمیم لغو مجوز توسط افکام در مقابل دادگاه های دارای صلاحیت انگلستان اعتراض شده است و در نتیجه [اثبات نشده که] این تصمیمات حاوی اشتباه قانونی بوده اند که بر اساس آن توسط دادگاه ها قابل ابطال بوده اند.

۱۴۰. دوم، با وجود آن که خواهان مدعی ست که آقای بهاری به پخش مصاحبه خود رضایت داده بوده است، لازم به ذکر است که خود خواهان در لایحه دوم اعتراف کرده است که قادر به ارائه هیچ گونه مدرکی برای اثبات این ادعا نبوده است.

۱۴۱. سوم، باید اذعان داشت که خواهان نتوانسته است در طی مراحل رسیدگی به این دادخواست هیچ شاهد و یا مدرکی برای اثبات این ادعای خویش به دادگاه ارائه کند که نشان دهد خود آقای بهاری پیش از پخش مصاحبه اش توسط شبکه پرس تی وی در تاریخ یکم ژوئیه ۲۰۰۹ محتوی آن بخش پخش شده از مصاحبه را به صورت عمومی اعلام کرده بوده است، تنها در این صورت استفاده از عبارات اعترافات اجباری توسط شورا حاوی خطای ارزیابی می بود.

۱۴۲. چهارم، خواهان ادعا می کند که از آنجا که تصمیم افکام بر اتهام نقض حق حفظ حریم خصوصی آقای بهاری به علت پخش بخشی از مصاحبه ضبط شده وی در زندان و تحت فشار بوده است، شورا نمی تواند تصمیم خود بر این اساس توجیه کند که پخش آن بخش از مصاحبه آقای بهاری توسط پرس تی وی معادل نقض فاحش حق بهرمندی از دادرسی منصفانه و عادلانه است. در این مورد، کفایت مشخص شود که تصمیم به اعمال محدودیت علیه خواهان تنها بر پایه تصمیم افکام اتخاذ نشده است. در این مورد، چنان که در بند ۱۳۷ فوق نیز ذکر شد، شورا با این نتیجه گیری که بر مبنای تصمیم افکام و نیز گزارش جامع سازمان غیردولتی عدالت برای ایران و پخش مصاحبه آقای بهاری را معادل پخش اعترافات اجباری و بر همین اساس نقض حق بهرمندی از دادرسی عادلانه دانسته، مرتکب هیچ گونه خطای ارزیابی نشده است.

۱۴۳. پنجم، خواهان به قابل اعتماد و استناد بودن گزارش آوریل ۲۰۱۲ سازمان غیردولتی عدالت برای ایران تحت عنوان «کات! پرس تی وی باید متوقف شود» اعتراض دارد، چرا که مدعی است این سازمان غیردولتی مدافع فعالیت های مخالف منافع رژیم حاضر در ایران بوده و بی طرف نیست. در این مورد، باید یادآور شد که بر اساس رویه قضایی حاکم، در برخی شرایط قاضی اتحادیه می تواند به گزارش های سازمان های غیردولتی مردم نهاد استناد کند.¹¹⁸ در این پرونده، ادعای خواهان در جهت بی طرف نبودن سازمان غیردولتی عدالت برای ایران مبتنی بر حدس و گمان های اثبات نشده است. به علاوه، هیچ دلیلی در پرونده حاضر مبنی بر غیر قابل اعتماد بودن گزارش سازمان غیردولتی عدالت برای ایران وجود ندارد.

۱۴۴. در درجه دوم، خواهان مدعی است که ادله ارائه شده توسط شورا اتهام پخش چندین اعتراف اجباری توسط پرس تی وی را اثبات نمی کند.

۱۴۵. در این باره باید یادآور شد که با توجه به ماهیت پیشگیرانه محدودیت های مورد نظر، اگر قاضی اتحادیه در حین بررسی قانونی بودن تصمیم موضوع دعوی به این نتیجه برسد که حداقل یکی از دلایل مذکور به قدر کفایت دقیق، ملموس، و حاوی جزئیات کافی برای توجیه آن تصمیم است، این ادعا که سایر دلایل دارای این شرایط نمی باشند به تنهایی ابطال آن تصمیم را توجیه نمی کند.¹¹⁹

¹¹⁸ ر.ک. حکم ۲۱ دسامبر ۲۰۱۱، N. S. e.a., C-411/10 et C-493/10, Rec, EU:C:2011:865، پاراگراف های ۹۰ و ۹۱.

¹¹⁹ در این باره ر.ک. حکم ۱۸ ژوئیه ۲۰۱۳، Commission e.a./Kadi, C-584/10 P, C-593/10 P، پاراگراف ۱۳۰.

۱۴۶. در این پرونده، همانطور که در بند ۱۳۷ فوق ذکر شد، شورا به قدر کفایت ثابت کرده است که با پخش اعترافات اجباری آقای بهاری پرس‌تی‌وی حق بنیادین بهرمندی از دادرسی عادلانه را نقض کرده است. بنابراین، با توجه به رویه قضایی مذکور در بند ۱۴۵، حتی اگر شورا ادله کافی برای اثبات پخش اعترافات اجباری اشخاص دیگری به غیر از آقای بهاری را ارائه نکرده باشد، این امر ابطال اسناد موضوع دعوی را توجیه نمی‌کند. در نتیجه این ادعا به علت مؤثر نبودن رد می‌شود.

۱۴۷. در رابطه با قسمت دوم از محور چهارم دفاعیات خواهان، خواهان ادعا می‌کند که شورا به قدر کفایت ثابت نکرده است که میان خواهان و دستگاه امنیتی دولتی ارتباط نزدیک وجود دارد، و نیز اینکه پرس‌تی‌وی تحت مدیریت خواهان با سرویس های امنیتی و دادستان های ایران برای پخش اعترافات اجباری اشخاص تحت بازداشت همکاری کرده است، و خواهان در نقض حقوق بشر در این مورد شرکت کرده است.

۱۴۸. با این وجود، نخست، همانطور که در بند ۱۳۶ فوق ذکر شد، از گزارش آوریل ۲۰۱۲ سازمان غیردولتی عدالت برای ایران تحت عنوان «کات! پرس‌تی‌وی باید متوقف شود» چنین برمی‌آید که پرس‌تی‌وی روابط نزدیک همکاری با مقامات دولتی جمهوری اسلامی ایران، و مخصوصاً، با سرویس های امنیتی ایران داشته است.

۱۴۹. دوم، در بند ۱.۳ گزارش مورد نظر آمده است که پرس‌تی‌وی از زمان تاسیس آن در سال ۲۰۰۷ تحت مدیریت خواهان فعالیت می‌کرده است. در ادامه، در همان گزارش آمده است که خواهان توسط رهبر جمهوری اسلامی ایران به عضویت شورای عالی فضای مجازی منصوب شده که تمامی فعالیت‌های اینترنتی در ایران را کنترل می‌کند. در انتها، درباره اسناد موضوع دعوی تصویب شده در سال ۲۰۱۵، از ادله ارائه شده توسط شورا به انضمام اظهاراتش در رابطه با دومین تقاضای تغییر دادخواست، و نیز اطلاعیه مطبوعاتی ۸ نوامبر ۲۰۱۴ پرس‌تی‌وی، چنین برمی‌آید که خواهان در نوامبر ۲۰۱۴ توسط رهبر جمهوری اسلامی ایران به سمت مدیریت صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران منصوب شده است در حالیکه طی دو دهه پیشین در سمت معاون برون مرزی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران مشغول فعالیت بوده است و طی این مدت چندین شبکه تلویزیونی به زبان های خارجی، علی الخصوص پرس‌تی‌وی، تاسیس شده‌اند.

۱۵۰. سوم، همانطور که در بند ۱۳۷ فوق ذکر شد، شورا به قدر کفایت ثابت کرده است که به مجرد پخش بخشی از مصاحبه آقای بهاری توسط Press TV Ltd، پرس‌تی‌وی به واسطه دارا بودن قدرت کنترل و نظارت بر برنامه ریزی آن شبکه، در پخش اعترافات اجباری آقای بهاری، که منجر به نقض فاحش حق وی در بهرمندی از دادرسی منصفانه و عادلانه شده است، نقش داشته است.

۱۵۱. با این وجود، چنان که در دلایل مذکور در اسناد موضوع دعوی نیز آمده است، اختلافی وجود ندارد که خواهان در سمت مدیر سرویس برون مرزی پرس‌تی‌وی مشغول به فعالیت بوده است و این سمت به خودی خود به وی اختیارات لازم جهت تصمیم‌گیری در زمینه برنامه ریزی این شبکه را به وی می‌داده است.

۱۵۲. در نتیجه، شورا در مسئول شناختن شخص خواهان در پخش اعترافات اجباری آقای بهاری در بخش اخبار یک برنامه هفتگی به نام «ایران امروز» و ارتکاب نقض فاحش حق بهرمندی از دادرسی عادلانه، مرتکب هیچ گونه خطای ارزیابی نشده است.

۱۵۳. اظهارات خواهان مبنی بر اینکه کارمندان پرس‌تی‌وی در زمان ضبط مصاحبه آقای بهاری حضور نداشته‌اند، و نیز اینکه حق انجام مصاحبه با اشخاص تحت بازداشت و یا زندانی توسط یک نهاد رادیو-تلویزیونی و کارمندانش بر اساس آزادی بیان و رسانه در رویه قضائی دادگاه حقوق بشر اروپا تضمین شده است، تأثیری بر این نتیجه‌گیری ندارد.

۱۵۴. در واقع، همه شواهد پرونده گویای آنست که اسناد موضوع دعوی، تا حدودی که متوجه خواهان می‌شوند، به علت نقش پرس‌تی‌وی تحت مدیریت خواهان در بخش سرویس بین‌المللی در ضبط مصاحبه های مورد نظر با اشخاص

تحت بازداشت اتخاذ نشده است، بلکه به طور مشخص، همانطور که از تصمیم آفکام برمی‌آید، به این علت اتخاذ شده است که بخشی از مصاحبه آقای بهاری بدون آنکه مخاطبین را از مکان ضبط این مصاحبه یعنی زندان و تحت فشار مطلع کند و نیز بدون آن که رضایت آقای بهاری را برای ضبط و یا پخش این مصاحبه دریافت کرده باشد، مورد پخش قرار گرفته بوده است. در نتیجه این ادعا مؤثر نیست و رد می‌شود.

۱۵۵. نظر به کلیه ملاحظات فوق الذکر، قسمتی از محور چهارم دفاع خواهان در این دادخواست به علت غیر مؤثر بودن و قسمت دیگر به علت وارد نبودن باید مردود اعلام شود.

۵ - ادعای پنجم مبتنی بر نقض اصل عدم مجازات مضاعف

۱۵۶. خواهان مدعی است که اسناد موضوع دعوی، از آنجا که شورا تصمیم به ثبت و تمدید درج نام وی در لیست‌های مورد نظر گرفته است، تضمینات قضایی علیه محکوم شدن به مجازات مضاعف، چنان که در اصل ۵۰ منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا تضمین شده است، را نقض می‌کنند. در واقع، خواهان ادعا می‌کند که، از یک سو، اتهاماتی که برای توجیه افزودن نامش در لیست‌های پیوست به اسناد موضوع دعوی مطرح شده‌اند، همان مبانی توجیه تصمیم آفکام بوده‌اند، چرا که شورا در دلایلی که در این اسناد علیه پرس‌تی‌وی به عنوان شخص حقوقی، و نیز به «مسئولین ناظر بر این روند» مطرح کرده است، به آن دلایل ارجاع می‌دهد. از سوی دیگر اقدام شورا در تصویب مجازات مضاعف، یعنی درج نام خواهان در لیست موضوع دعوی، ناموجه است. به علاوه، خواهان اظهار می‌کند که آفکام هیچ‌گونه اتهامی مبنی بر نقض حق بهره‌مندی از دادرسی عادلانه در رابطه با پخش مصاحبه مازیار بهاری مطرح نکرده بوده است.

۱۵۷. شورا به کلیه اظهارات ایراد شده توسط خواهان در رابطه با محور پنجم دفاعیات او اعتراض دارد.

۱۵۸. طبق اصل ۵۰ منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا: «هیچ کس نباید برای جرمی که یک بار در اتحادیه از آن تبرئه و یا محکوم شده است، پس از صدور حکم نهایی بر اساس قانون، مجدداً از لحاظ جزایی مورد تعقیب و یا مجازات قرار گیرد.»

۱۵۹. طبق رویه قضایی حاکم، اصل عدم مجازات مضاعف، مجازات یک شخص بیش از یک بار به خاطر همان رفتار غیر قانونی و به خاطر حفظ همان منافع حقوقی را منع می‌کند. این اصل مشروط به اجماع سه شرط، یعنی یگانگی موضوع، یگانگی فرد متخلف و یگانگی منفعت حقوقی مورد حمایت است.¹²⁰

۱۶۰. در این پرونده، باید اذعان داشت که بر خلاف آنچه که خواهان ادعا می‌کند، تصمیم آفکام که شورا در دلایل توجیه‌کننده درج نام وی در لیست‌های پیوست به اسناد موضوع دعوی به آن ارجاع داده است، تنها متوجه اعمال شبکه پرس تی وی بوده است، از این لحاظ که این شبکه به عنوان دارنده مجوز پخش در انگلستان، برنامه‌ای مخالف قانون ارتباطات این کشور عضو پخش کرده بوده است. بر خلاف ادعای خواهان هیچ چیز در تصمیم آفکام گویای آن نیست که آن تصمیم متوجه «مسئولان مورد نظر در این رسیدگی» نیز بوده است.

۱۶۱. اما درباره اسناد موضوع دعوی باید گفت که از یک سو، چنان که در بندهای ۸۰ و ۸۲ فوق آمد، این تصمیم‌ها تنها متوجه آن دسته اعمال خواهان هستند که وی با توجه به مسئولیت‌ها و اختیاراتی که مقام ریاست سرویس بین‌المللی پرس تی وی به وی اعطا می‌کرده، شخصاً مسئول نقض حق بهره‌مندی از دادرسی منصفانه و عادلانه بوده است. بر این اساس، دومین شرط از شروط لازم اصل عدم محاکمه و مجازات مضاعف مطابق رویه قضایی فوق‌الذکر در بند ۱۵۹، یعنی وحدت هویت مجرم، در این جا برقرار نیست.

¹²⁰ در این باره ر.ک. حکم ۷ ژانویه ۲۰۰۴، Aalborg Portland e.a./Commission, C-204/00 P, C-205/00، P, C-211/00 P, C-213/00 P, C-217/00 P et C-219/00 P, Rec, EU:C:2004:6، پاراگراف ۳۳۸.

۱۶۲. از سوی دیگر باید اذعان داشت که دو تصمیم اتخاذ شده توسط آفکام علیه پرس‌تی‌وی و توسط شورا علیه خواهان اهداف جداگانه ای را دنبال می‌کنند. اگر در مورد اول، همانطور که از تصمیم آفکام بر می‌آید (ر.ک. بند ۱۳)، هدف، تضمین اجرای قانون حاکم در حوزه ارتباطات در انگلستان بوده، در مورد دوم، چنان که در بندهای ۱۰۰ تا ۱۰۷ فوق ذکر شد، هدف، تضمین اهداف اصل ۲۱، بند ۲ (ب) پیمان اتحادیه اروپا، یا به عبارتی ارتقای حقوق بشر و حمایت از آن بوده است. بنابراین، سومین شرط لازم برای اجرای اصل عدم محاکمه و مجازات مضاعف، یعنی یگانگی منافع حقوقی مورد حمایت نیز در این مورد وجود ندارد.

۱۶۳. بر اساس آنچه در بالا آمد اصل عدم مجازات مضاعف در این پرونده نقض نشده است. در نتیجه، این ادعا که شورا تصویب مجازات مضاعف علیه خواهان، یعنی درج نام ایشان در لیست مورد اختلاف، را توجیه نکرده است بی‌پایه و مردود است.

۱۶۴. بنابراین، محور پنجم دفاعیات خواهان به علت نوارد بودن باید مردود اعلام شود.

۶ - ادعای ششم مبنی بر نقض حقوق بنیادین خواهان

۱۶۵. بر اساس محور ششم دفاعیات، خواهان نقض چندین حق بنیادین را مطرح می‌کند که در دادخواست تحت دو عنوان، اول، نقض آزادی بیان و مطبوعات، و دوم، نقض آزادی عبور و مرور، آزادی حرفه‌ای و حق مالکیت آمده‌اند.

قابلیت پذیرش اعتراضات ارائه شده بر اساس بخش دوم ادعای ششم

۱۶۶. در ابتدا باید گفت که خواهان در توضیح نقض حقوق مالکیت، آزادی حرفه‌ای و آزادی عبور و مرور چنان که در دومین قسمت از محور ششم دفاعیات خود مطرح کرده صرفاً به همان استدلال‌ات بیان شده در اولین قسمت، یعنی نقض آزادی بیان و مطبوعات ارجاع داده است.

۱۶۷. در این باره، همانطور که در بندهای ۴۶ و ۱۱۸ فوق آمد، از سویی، برای اجماع شروط قابل پذیرش بودن اعتراضات مطابق آیین‌نامه دادرسی دادگاه مورخ ۲ مه ۱۹۹۱، دادخواست باید شامل موضوع دعوی، خواسته‌های خواهان و ذکر مختصر مبنای حقوقی دعوی باشد، و از سوی دیگر، هر ادعا و مستنداتی که به طور کافی در دادخواست در مورد آن توضیح داده نشده باشد غیر قابل پذیرش است.

۱۶۸. در این پرونده، راجع به ادعای نقض آزادی حرفه‌ای خواهان، باید گفت که استدلال‌ات بیان شده در شرح قسمت اول از محور دوم دفاعیات خواهان به قدر کفایت این نقض را توضیح می‌دهند. در واقع، طبق این استدلال‌ات، موضوع و نتیجه اعمال محدودیت‌های مورد نظر، بازداشتن وی از دنبال کردن آزادانه حرفه اش در حوزه رسانه بوده است. بنابراین، باید گفت که ادعای نقض آزادی حرفه‌ای، چنان که در قسمت دوم از محور دوم دفاعیات آمده، قابل پذیرش است و باید به موازات ادعای نقض آزادی بیان و مطبوعات در قسمت اول از محور دوم دفاعیات بررسی شود.

۱۶۹. اما، راجع به ادعای نقض آزادی عبور و مرور و حق مالکیت، واضح است که اعمال محدودیت‌های مورد نظر امکان عبور و مرور شخص در خاک اتحادیه و نیز حق بهرمندی از دارایی‌ها را مورد تاثیر قرار می‌دهند، چرا که از طرفی بر اساس ماده یکم تصمیم شماره 121۲۳۵ اعضای اتحادیه اقدامات لازم را برای جلوگیری از ورود به خاک اروپا و یا عبور ترانزیت اشخاص مسئول نقض فاحش حقوق بشر در ایران و اشخاص وابسته به ایشان به شرح

لیست پیوست به تصمیم مربوطه را اتخاذ می‌کنند، و از طرف دیگر، مطابق آیین‌نامه اجرایی شماره 122395 موجودی‌ها و دارایی‌های مالی متعلق به این اشخاص می‌توانند مورد توقیف قرار می‌گیرند. با این حال، ادعای نقض این حقوق به تنهایی شروط قابلیت طرح و پذیرش اعتراض مطابق آیین‌نامه دادرسی دادگاه مورخ ۲ مه ۱۹۹۱ و رویه قضایی مذکور در بندهای ۴۶ و ۱۱۸ را دارا نیست. در این پرونده، استدلالات بیان شده در شرح نقض آزادی بیان و مطبوعات، که خواهان برای توضیح قسمت دوم از محور دوم دفاعیات خود به آنها ارجاع می‌دهد، به قدر کفایت نقض حق آزادی عبور و مرور و حق مالکیت را توضیح نمی‌دهند. به علاوه، راجع به ادعای نقض آزادی عبور و مرور، وکیل خواهان در پاسخ به سؤال مطرح شده از سوی دادگاه اظهار کرد که خواهان، به عنوان تبعه یک کشور ثالث، از پیش واجد هیچ گونه اجازه اقامت و طبعاً حق ورود و عبور و مرور در اتحادیه نبوده است. در نتیجه، ادعای نقض آزادی عبور و مرور و حق مالکیت غیرقابل پذیرش اند و باید رد شوند.

بررسی ماهوی اعتراض ارائه شده در محور ششم دفاعیات خوانده

- شکایات مبتنی بر نقض آزادی بیان و مطبوعات و نقض آزادی حرفه‌ای

۱۷۰. خواهان ادعا می‌کند که درج شدن نامش در لیست موضوع دعوی وی را به طور کلی از پرداختن به فعالیت‌های حرفه‌ای به عنوان سردبیر و مدیر اجرایی و یا مدیریت شرکت های رسانه ای محروم کرده است. به این ترتیب، خواهان از یک سو نمی‌تواند به پخش شبکه پرس‌تی‌وی در اروپا بپردازد، و از سوی دیگر، نمی‌تواند در خاک اروپا به تهیه و ارائه برنامه‌ها و مستندهای مربوط به اروپا جهت پخش در این شبکه ادامه دهد. به علاوه، نقض آزادی بیان و مطبوعات خواهان به وسیله منع کلیه فعالیت‌های حرفه‌ای وی در اروپا برای مدت نامعلوم نه لازم و نه متناسب است. در آخر، این نقض از این جهت جدی‌تر و نامتناسب‌تر است که خواهان نتوانسته، پیش از درج شدن نامش در لیست‌های پیوست به اسناد موضوع دعوی، از حق تقاضای دستور موقت بهره مند شود.

۱۷۱. خواهان در لایحه دوم خود ادعا می‌کند که هدف از درج نام وی در لیست‌های پیوست به اسناد موضوع دعوی منع پخش پرس‌تی‌وی در خاک اتحادیه بوده است و یادآور می‌شود درج نام رئیس صدا و سیما، آقای عزت الله ضرغامی، در لیست پیوست به آیین‌نامه اجرایی شماره 123264 برای لغو قرارداد بین صدا و سیما و آرکیوا و قطع پخش برنامه‌های پرس‌تی‌وی توسط ماهواره هانتبرد ۸ کافی بوده است. لازم نبوده است که محدودیت‌های مورد نظر شامل توقیف دارایی‌های مالی خواهان بشوند چرا که آن اقدام به تنهایی نه تنها مانع تهیه و پخش آزادانه برنامه‌های مربوط به مصاحبه های اشخاص تحت بازداشت شده است، بلکه باعث منع پخش پرس‌تی‌وی در اروپا شده است.

۱۷۲. شورا به کلیه استدلالات ایراد شده توسط خواهان در قسمت اول از محور ششم دفاعیات وی اعتراض دارد.

۱۷۳. در وهله اول، این ادعا که اسناد موضوع دعوی مانع پخش پرس‌تی‌وی در خاک اتحادیه شده‌اند نمی‌تواند جدی باشد.

۱۷۴. اولاً، همانطور که در بند ۱۴ فوق توضیح داده شد، با توجه به مدارک موجود در پرونده واضح است که عدم امکان پخش برنامه‌های پرس‌تی‌وی در خاک اتحادیه اروپا نتیجه مستقیم تصمیم لغو مجوز پرس‌تی‌وی توسط آفکام است. در واقع، در این تصمیم، که تنها به نقض مفاد قانون حاکم در حوزه ارتباطات انگلستان در آن زمان مربوط بوده، آفکام به این نتیجه رسیده است که شبکه پرس‌تی‌وی واجد شرایط لازم برای داشتن مجوز پخش در انگلستان نیست که مطابق آن «دارنده مجوز پخش» باید بر کلیه برنامه‌ها نظارت سردبیری داشته باشد. در این مورد آفکام به این نتیجه رسیده است که این مسئولیت توسط شرکت پرس‌تی‌وی مستقر در تهران به عمل می‌آمده است. به علاوه، تصمیم لغو مجوز توسط آفکام در تاریخ ۲۰ ژانویه ۲۰۱۲، یعنی یک سال پیش از اولین تصمیم درج نام خواهان در لیست اسناد موضوع دعوی، تصویب و بلافاصله اجرایی شده است. در نتیجه، واضح است که خواهان به اشتباه ادعا

122 ماده ۳، بند ۱ آیین‌نامه اجرایی 395/2011.

می‌کند که عدم امکان پخش پرس‌تی‌وی در خاک اتحادیه حاصل تصویب اسناد موضوع دعوی در طی سال ۲۰۱۳ بوده است. در نهایت، همان طور که خود خواهان در دادخواست اذعان داشته است، تصمیم سازمان رسانه‌های جدید آلمان¹²⁴ مورخ ۴ آوریل ۲۰۱۲، که آن نیز پیش از اولین تصمیم درج نام خواهان در لیست اسناد موضوع دعوی، به تصویب رسیده است، به این علت اتخاذ شده که در پی لغو مجوز پخش توسط آفکام، شبکه پرس‌تی‌وی فاقد مجوز اروپایی لازم بوده است.

۱۷۵. ثانیاً، راجع به ارتباطی که خواهان میان این پرونده و لغو قرارداد بین صدا و سیما و آرکیوا در پی آیین‌نامه اجرایی شماره 125۲۶۴ حاوی تصمیم درج نام آقای عزت الله ضرغامی، رئیس صدا و سیما در لیست افراد مشمول محدودیت¹²⁶، این موضوع تأثیری بر نتیجه مذکور در بند ۱۷۴ فوق ندارد چرا که عدم امکان پخش پرس‌تی‌وی در خاک اتحادیه نتیجه مستقیم تصمیم لغو مجوز پخش آن توسط آفکام است.

۱۷۶. در درجه دوم، راجع به این ادعای خواهان که اسناد موضوع دعوی مانع پیگیری آزادانه فعالیت‌های حرفه‌ای ایشان در حوزه ارتباطات شده‌اند، حتی اگر محدودیت اعمال شده ناقض آزادی بیان و مطبوعات و آزادی حرفه‌ای خواهان در ارتباط با فعالیت‌های حرفه‌ای ایشان بوده باشند، خواهان به اشتباه ادعا می‌کند که این نقض ناموجه و نامتناسب بوده است.

۱۷۷. در واقع، حق آزادی بیان، که در این پرونده آزادی مطبوعات و آزادی حرفه‌ای نیز به آن مربوط می‌شوند، چنان که در اصل ۱۱ منشور حقوق بنیادین تضمین شده است، یک امتیاز مطلق نیست¹²⁷ و در نتیجه می‌تواند مورد محدودیت‌هایی، تحت شرایط مندرج در اصل ۵۲، بند ۱ منشور حقوق بنیادین، قرار گیرد.

۱۷۸. مطابق اصل ۵۲، بند ۱ منشور حقوق بنیادین، از طرفی «هر نوع محدودیت در بهرمندی از حقوق و آزادی‌های تضمین شده در این منشور باید در قانون تصریح شده باشد و ماهیت اصلی آن حقوق و آزادی‌ها را رعایت کنند» و از طرف دیگر، «جهت رعایت اصل تناسب، هیچ محدودیتی نمی‌تواند اعمال شود مگر در صورت لزوم و برای تضمین موثر اهداف مربوط به منافع عمومی شناخته شده توسط اتحادیه و یا جهت حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران».

۱۷۹. بنابراین، برای منطبق بودن با حقوق اتحادیه، هر گونه محدودیت آزادی بیان و مطبوعات باید، در هر حال، این سه شرط را واجد باشد.

۱۸۰. اولاً، محدودیت مورد نظر باید «در قانون تصریح شده باشد». به عبارت دیگر، اقدام یا تصمیم مورد نظر باید دارای پایه و اساس قانونی باشد.¹²⁸

۱۸۱. در این پرونده، همانطور که در بندهای ۱۰۸ و ۱۵۵ فوق ذکر شد، شورا در تصویب اسناد موضوع دعوی و اعمال محدودیت‌های مورد نظر بر اساس موازین قانونی عمل کرده، بدون آن که مرتکب هیچ گونه خطای ارزیابی شده باشد. بنابراین هرگونه نقض محتمل بهرمندی از آزادی بیان و مطبوعات در این پرونده، مطابق اصل ۵۲، بند ۱ منشور حقوق بنیادین، بر اساس قانون اعمال شده است.

¹²⁴ Bayerische Landeszentrale für Neue Medien

¹²⁵ 264/2012

¹²⁶ لیست پیوست به آیین‌نامه 359/2011

¹²⁷ برای مقایسه ر.ک. حکم ۶ مارس ۲۰۰۱، EU:C:2001:127، Connolly/Commission, C-274/99 P, Rec, Kadi et Al Barakaat International Foundation/Conseil et Commission, C-402/05 P et C-415/05 P, Rec, EU:C:2008:461، پاراگراف ۴۰ و حکم ۳ سپتامبر ۲۰۰۸،

¹²⁸ ر.ک. حکم ۲۷ فوریه ۲۰۱۴، Ezz e.a./Conseil, T-256/11, Rec, EU:T:2014:93، پاراگراف ۱۹۸ و سایر آرای مذکور در آن.

۱۸۲. ثانیاً، محدودیت مورد نظر باید هدفی مربوط به منافع عمومی را دنبال کند که توسط اتحادیه شناخته شده باشد. از جمله این اهداف، اهداف دنبال شده تحت عنوان سیاست‌های امنیتی و دفاع جمعی¹²⁹ است، چنانکه همانطور که در بند ۱۰۰ فوق آمد، شامل حمایت و تقویت دموکراسی، حاکمیت قانون، حقوق بشر و اصول حقوق بین الملل می‌شود.

130

۱۸۳. در این پرونده، همانطور که در بندهای ۱۰۰ تا ۱۰۷ فوق ذکر شد، هم اسناد موضوع دعوی و هم تصمیم شماره ۲۳۵ و آیین‌نامه شماره ۱۳۱۳۵۹¹³¹ بر پایه مفاد مربوط به سیاست‌های امنیتی و دفاع جمعی تصویب شده‌اند و به صورت موثر احقاق اهداف مربوط به حفاظت از منافع عمومی این سیاست‌ها، و مخصوصاً تقویت و حمایت از حقوق بشر، را دنبال می‌کنند.

۱۸۴. ثالثاً، محدودیت مورد نظر نباید بیش از حد لزوم باشد. از سویی، چنین محدودیتی باید لازم و متناسب با هدف دنبال شده باشد؛ از سوی دیگر، «ماهیت اصلی»، یعنی جوهره حق یا آزادی مورد نظر نباید پامال شود.¹³²

۱۸۵. به علاوه، باید یادآور شد که اصل تناسب، به عنوان یکی از اصول کلی حقوق اتحادیه، مستلزم آن است که نهادهای اتحادیه از حدود آنچه که، در راستای احقاق اهداف دنبال شده در قانون موردنظر، مناسب و ضروری است فراتر نروند. بدین ترتیب، در صورت وجود بیش از یک امکان شایسته و متناسب، باید آنکه کمترین دشواری را ایجاد می‌کند برگزید به صورتی که عواقب نامطلوب آن نسبت به اهداف دنبال شده ناموجه نباشند.¹³³

۱۸۶. در این پرونده، محدودیت‌های اعمال شده توسط شورا علیه خواهان بر اساس تصمیم شماره ۲۳۵ و آیین‌نامه شماره ۳۵۹،¹³⁴ متناسب با اهداف دنبال شده تحت عنوان سیاست‌های امنیتی و دفاع جمعی، و متمرکز بر ارتقا و حمایت از حقوق بشر است.

۱۸۷. در واقع، در مورد شخصی مانند خواهان که تبعه یک دولت ثالث نسبت به اتحادیه است، اقدامات محدودیت ساز موضوع دعوی، از آنجا که دول عضو را ملزم به اتخاذ تصمیمات لازم جهت جلوگیری از ورود و عبور ایشان در خاک اتحادیه و نیز توقیف اموال و دارایی‌های مالی ایشان می‌کنند، امکان مبارزه با اعمال ناقض حقوق بشر، مانند اعمالی که خواهان مسئول آن‌ها شناخته شده است، را فراهم می‌آورند. جهت یادآوری، اعمال این اقدامات طبق شرایط قانونی تعریف شده در ماده ۲۱۵، بند ۲ معاهده کارکرد اتحادیه اروپا، به اجرا گذارنده تصمیمات اتخاذ شده بر اساس اصل ۲۹ پیمان اتحادیه اروپا در حوزه اجرایی معاهده کارکرد اتحادیه اروپا صورت گرفته است.

۱۸۸. به علاوه، خواهان ثابت نکرده است که شورا می‌توانسته محدودیت‌های کمتری را جایگزین اقدامات اعمال شده در اسناد موضوع دعوی کند که به همان میزان متناسب و موثر باشند.

۱۸۹. به عبارت دیگر، بر خلاف آنچه که خواهان ادعا می‌کند، نقض حق آزادی بیان و مطبوعات توسط محدودیت‌های مورد نظر با اهداف دنبال شده نامتناسب نیست. از یک طرف، باید یادآور شد که محدودیت‌های اعمال شده علیه خواهان ماهیتاً موقت و برگشت پذیرند. در واقع، از بند ۲ ماده ۶ تصمیم شماره ۲۳۵ و بند ۴ ماده ۱۲

¹²⁹ PESC، مطابق اصل ۲۱، بند ۲ (ب) پیمان اتحادیه اروپا

¹³⁰ ر.ک. حکم ۲۷ فوریه ۲۰۱۴، Ezz e.a./Conseil, T-256/11, Rec, EU:T:2014:93، پاراگراف ۱۹۹

¹³¹ تصمیم 2011/235 و آیین‌نامه 359/2011.

¹³² ر.ک. حکم ۲۷ فوریه ۲۰۱۴، Ezz e.a./Conseil, T-256/11, Rec, EU:T:2014:93، پاراگراف ۲۰۰ و سایر

آرای مذکور در آن

¹³³ ر.ک. حکم ۱۲ ژوئیه ۲۰۰۱، Jippes e.a., C-189/01, Rec, EU:C:2001:420، پاراگراف ۸۱ و حکم ۶

مه ۲۰۱۰، Comune di Napoli/Commission, T-388/07, EU:T:2010:17، پاراگراف ۱۴۳

¹³⁴ بر اساس تصمیم 2011/235 و آیین‌نامه 359/2011،

آیین‌نامه شماره ۳۵۹ این طور برمی‌آید که محدودیت‌های تصویب شده بر اساس این اسناد به صورت مستمر بررسی می‌شوند. در این پرونده، همان طور که در بند های ۱۵، ۲۱ و ۲۳ فوق ذکر شد، محدودیت‌های اعمال شده علیه خواهان به صورت سالانه بازبینی شده‌اند. در پی بازبینی‌های اعمال شده در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵، شورا تصمیم به ادامه این اقدامات گرفته و آنها را تمدید و به روز کرده است. از این ملاحظات چنین برمی‌آید که محدودیت‌های اعمال شده علیه خواهان به ماهیت اصلی حق آزادی بیان و مطبوعات صدمه‌ای وارد نمی‌کند.

۱۹۰. از طرف دیگر، در رابطه با ادعای غیرمتناسب بودن منع پیگیری فعالیت‌های حرفه‌ای خواهان توسط محدودیت‌های اعمال شده، علی‌الخصوص در خاک اتحادیه اروپا، این ادعا نمی‌تواند قابل قبول باشد. در واقع، واضح است که این اقدامات تنها در خاک اتحادیه قابل اجرا هستند. همانطور که از اطلاعات مربوط به شناسایی خواهان در اسناد موضوع دعوی برمی‌آید، ایشان فعالیت‌های حرفه‌ای خود در صدا و سیما و در پرس‌تی‌وی را در تهران دنبال می‌کند، و خواهان این مساله را انکار نکرده است. بنابراین، محدودیت‌های مورد نظر به هیچ وجه ناقض حق خواهان جهت پیگیری فعالیت‌های حرفه‌ای‌اش در حوزه رسانه، و مخصوصاً در کشوری که وی در آن سکونت دارد، نیست.

135

۱۹۱. در نهایت، در رابطه با ادعای عدم امکان درخواست دستور موقت، کفایت یادآور شد که، مطابق ماده ۲۷۸ معاهده کارکرد اتحادیه اروپا، علیرغم آن که «دعای طرح شده مقابل دادگاه عدالت اروپا خاصیت تعلیق موضوع دعوی را ندارند، دادگاه می‌تواند در صورتی که شرایط این گونه ایجاب کنند، دستور تعلیق تصمیم یا عمل موضوع دعوی را صادر کند». به علاوه، بر اساس ماده ۲۷۹ معاهده کارکرد اتحادیه اروپا «دادگاه می‌تواند در دعوی که در دست بررسی دارد اقدامات موقت لازم را مقرر کند». آیین‌نامه دادرسی دادگاه،¹³⁶ شرایط شکلی و ماهوی قابل پذیرش بودن تقاضای تعلیق موضوع ماده ۲۷۹ معاهده کارکرد اتحادیه اروپا را تعیین کرده است. بنابراین، خواهان به وضوح به اشتباه ادعا می‌کند که از حق تقاضای دستور موقت از قاضی اتحادیه، جهت بهرمندی از تعلیق محدودیت‌های موضوع این دعوی، محروم شده است.

۱۹۲. از کلیه ملاحظات فوق چنین برمی‌آید که شکایات مبتنی بر نقض آزادی بیان و مطبوعات و نقض آزادی حرفه‌ای ناوارد بوده و باید مردود اعلام شود.

- شکایات مبتنی بر نقض آزادی عبور و مرور و حق مالکیت

۱۹۳. علیرغم نتیجه گیری مذکور در بند ۱۶۹ که اقتضا می‌کند اعتراض خواهان به نقض آزادی عبور و مرور و نیز حق مالکیت باید غیر قابل پذیرش و مردود اعلام شوند، لازم به ذکر است که این شکایات در هر صورت نمی‌توانند موفقیت آمیز باشند.

۱۹۴. اولاً، در رابطه با شکایت مبتنی بر نقض آزادی عبور و مرور، حتی اگر که خواهان بتواند در آینده چنین ادعایی را بر اساس حق ورود و عبور و مرور در خاک اتحادیه مطرح کند، به هر ترتیب، باید یادآور شد که مطابق ماده ۲۱، بند ۱ معاهده کارکرد اتحادیه اروپا آزادی عبور و مرور و اقامت در خاک دولت‌های عضو محدود به محدودیت‌ها و شرایط تعیین شده در معاهدات و مفاد اجرایی آنهاست. این محدودیت، چنان که در قسمت دوم ماده ۲۱، بند ۲ معاهده کارکرد اتحادیه اروپا مطرح شده است، به معاهدات، به صورت جمع، ارجاع می‌دهد و شامل پیمان اتحادیه اروپا نیز می‌شود. بنابراین، محدودیت‌های مربوط به اجازه ورود که در تصمیمات اتخاذ شده بر مبنی اصل ۲۹ پیمان اتحادیه اروپا وارد شده‌اند، به وضوح جزء مفاد اجرایی پیمان اتحادیه اروپا هستند.¹³⁷

¹³⁵ برای مقایسه ر.ک. حکم ۲۷ فوریه ۲۰۱۴، Ezz e.a./Conseil, T-256/11, Rec, EU:T:2014:93، پاراگراف ۲۰۹

¹³⁶ ماده ۱۰۴، بند ۳ آیین‌نامه دادرسی دادگاه مورخ ۲ مه ۱۹۹۱، و نیز ماده ۱۵۶، بند ۳ همان آیین‌نامه.

¹³⁷ ر.ک. حکم ۵ نوامبر ۲۰۱۴، Mayaleh/Conseil, T-307/12 et T-408/13, Rec, EU:T:2014:926، پاراگراف ۱۹۵

۱۹۵. از ملاحظات فوق چنین برمی‌آید که با تصویب اسناد مبتنی بر سیاست‌های امنیتی و دفاع جمعی، شورا می‌تواند حق عبور و مرور و نیز کار کردن در خاک دولت‌های عضو اتحادیه را محدود کند. با این حال باید بررسی کرد که آیا شورا در این پرونده اصل تناسب را، طبق تعریف رویه قضایی فوق‌الذکر در بند ۱۸۵، رعایت کرده است یا خیر.¹³⁸

۱۹۶. در این باره، ذکر این نکته کافیهست که ملاحظات فوق‌الذکر در بندهای ۱۸۱، ۱۸۳، ۱۸۶ و ۱۸۹ در رابطه با متناسب، لازم و موقت بودن اقدامات مربوط به توقیف اموال خواهان، به همان ترتیب به محدودیت‌های مربوط به اجازه ورود و عبور و مرور آزاد اتباع یک دولت ثالث در خاک اتحادیه قابل اطلاق اند.¹³⁹

۱۹۷. از کلیه ملاحظات فوق چنین برمی‌آید که اعتراض خواهان مبنی بر نقض آزادی عبور و مرور در هر صورت ناوارد بوده و باید مردود اعلام شود.

۱۹۸. ثانیاً، در رابطه با اعتراض خواهان مبنی بر نقض حق مالکیت، باید یادآور شد که بر اساس اصل ۱۷، بند ۱ منشور حقوق اتحادیه اروپا «هر کس حق بهرمندی، استفاده، از بین بردن و بخشیدن مالکیت اموالی که از راه قانونی کسب کرده است دارد. هیچ کس نمی‌تواند از حق مالکیت محروم شود مگر به سبب منافع عمومی، مطابق شرایط تعیین شده در قانون و در ازای پرداخت خسارت منصفانه در اسرع وقت. استفاده از اموال می‌تواند توسط قانون در حد لازم جهت حفظ منافع عموم ضابطه‌مند شود.»

۱۹۹. در این پرونده، شورا به وسیله اسناد موضوع دعوی برای مدت معین اموال تحت اختیار خواهان را توقیف کرده است. به این ترتیب، شورا حق مورد نظر در اصل ۱۷، بند ۱ منشور حقوق اتحادیه اروپا را در مورد خواهان محدود کرده است.¹⁴⁰

۲۰۰. با این حال، مطابق ملاحظات فوق در بندهای ۱۷۷ تا ۱۸۴، باید یادآور شد که حق مالکیت، چنان که در این اصل تضمین شده، یک امتیاز مطلق نیست¹⁴¹ و در نتیجه می‌تواند مورد محدودیت‌هایی، تحت شرایط مندرج در اصل ۵۲، بند ۱ منشور حقوق بنیادین، قرار گیرد.

۲۰۱. در این پرونده، باید اذعان داشت که، به همان دلایل مذکور در بند های ۱۸۱، ۱۸۳، ۱۸۶، ۱۸۹، هر سه شرط بند ۱ اصل ۵۲ منشور حقوق بشر اتحادیه اروپا در این مورد نیز برقرار است.

۲۰۲. بنابراین، شکایت مبتنی بر نقض آزادی حرفه‌ای در هر صورت وارد نبوده و باید مردود اعلام شود.

۲۰۳. از کلیه ملاحظات فوق چنین برمی‌آید که محور ششم دفاعیات خواهان، و بدین ترتیب کلیه دادخواست، باید به علت مؤثر نبودن و قسمت دیگر آن به علت وارد نبودن مردود اعلام شود.

¹³⁸ ر.ک. حکم ۵ نوامبر ۲۰۱۴، EU:T:2014:926، Mayaleh/Conseil, T-307/12 et T-408/13, Rec, پاراگراف ۱۹۶

¹³⁹ ر.ک. حکم ۵ نوامبر ۲۰۱۴، EU:T:2014:926، Mayaleh/Conseil, T-307/12 et T-408/13, Rec, پاراگراف ۱۹۷

¹⁴⁰ در این باره ر.ک. حکم ۳ سپتامبر ۲۰۰۸، Kadi et Al Barakaat International Foundation/Conseil et Commission, C-402/05 P et C-415/05 P, Rec, EU:C:2008:461، پاراگراف ۳۵۸

¹⁴¹ در این باره ر.ک. حکم ۱۴ مه ۱۹۷۴، Nold/Commission, 4/73, Rec, EU:C:1974:51، پاراگراف ۱۴، و

حکم ۳ سپتامبر ۲۰۰۸، Kadi et Al Barakaat International Foundation/Conseil et Commission, C-402/05 P et C-415/05 P, Rec, EU:C:2008:461، پاراگراف ۱۷۷

هزینه‌های دعوی

۲۰۴. مطابق بند ۱ ماده ۱۴۳ آیین‌نامه دادرسی دادگاه، طرف بازنده دعوی محکوم به پرداخت هزینه‌های دعوی است، در صورتی که چنین درخواست شده باشد. خواهان به عنوان بازنده این دعوی محکوم به پرداخت هزینه‌های آن، مطابق درخواست شورا است.

۲۰۵. مطابق بند ۳ ماده ۱۳۸ آیین‌نامه دادرسی دادگاه، طرف ثالث دعوی هزینه‌های خود را متقبل خواهد شد.

به این دلایل،

دادگاه عمومی (شعبه دوم)

اعلام می‌دارد و حکم می‌کند که:

دعوی حاضر مردود است.

آقای محمد سرافراز موظف به پرداخت هزینه‌های خود و نیز هزینه‌های شورای اتحادیه اروپا در این دعوی است.

سازمان غیردولتی عدالت برای ایران هزینه‌های خود را متقبل می‌شود.

قاضی مارتینز ریبرو

قاضی جرواسونی

قاضی مادیس

این رأی در جلسه عمومی در لوکزامبورگ در تاریخ ۴ دسامبر ۲۰۱۵ اعلام شد.

امضاء قضات دادگاه

زبان مبدأ: آلمانی

زبان مبدأ ترجمه به فارسی: فرانسه